

پیش‌بینی اختلالات رفتاری کودکان بر اساس روان‌بندهای ناسازگار اولیه و دینداری مادران

هادی زینالزاده / کارشناسی ارشد روان‌شناسی اسلامی مؤسسه آموزش عالی اخلاق و تربیت

ali.11041@yahoo.com

monirpoor1357@yahoo.com

کمال نادر منیرپور / استادیار گروه روان‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم

محمد رضا جهانگیرزاده / استادیار گروه روان‌شناسی مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی * jahangirzademr@gmail.com

دریافت: ۱۳۹۶/۰۷/۱۵ - پذیرش: ۱۳۹۶/۰۷/۱۵

چکیده

این پژوهش، از نوع همبستگی است که با هدف بررسی ارتباط بین دینداری و روان‌بندهای ناسازگار اولیه مادران با مشکلات رفتاری کودکان در یک نمونه غیربالینی اجرا شد. بدین منظور، نمونه‌ای به حجم ۳۸۶ نفر از دانش‌آموزان ابتدایی به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای، انتخاب شدند. ابزارهای پژوهش سیاهه رفتاری کودک (CBCL)، پرسش‌نامه دینداری و پرسش‌نامه روان‌بندهای ناسازگار اولیه (YSQ-SF) بودند. هر سه پرسش‌نامه توسط مادر دانش‌آموزان تکمیل شد. نتایج نشان دادند که بین دینداری مادران و مشکلات رفتاری کودکان و نیز بین روان‌بندهای ناسازگار اولیه مادران و مشکلات رفتاری کودکان رابطه معنادار وجود دارد. نتایج تحلیل رگرسیون چندگانه نیز نشان داد که بُعد اخلاق دینداری مادران و نیز حوزه‌های بریدگی و طرد و خودمختاری و عملکرد مختل روان‌بندهای ناسازگار اولیه مادران به صورت معناداری مشکلات رفتاری کودکان را پیش‌بینی می‌کند. این یافته‌ها ضمن پیش‌بینی مشکلات رفتاری کودکان بر پیامدهای منفی روان‌بندهای ناسازگار اولیه مادران و ضرورت طرح برنامه‌های درمانی و حمایتی تأکید می‌کند و نقش دینداری مادران را در کاهش مشکلات رفتاری کودکان مورد تأیید قرار می‌دهد.

کلیدواژه‌ها: مشکلات رفتاری کودکان، دینداری، طرح‌واره، روان‌بندهای ناسازگار اولیه، طرح‌واره‌های ناکارآمد، مادران.

در بیست و پنج سال اخیر، مشکلات رفتاری کودکان به‌عنوان یکی از موضوعات عمده روان‌پزشکی و روان‌شناسی در مطرح بوده است (طهماسبیان و همکاران، ۱۳۹۱) با این حال، سهم این قشر از سلامتی روانی بسیار کم است و به ازای هر پنج کودک، یک کودک در معرض خطر بوده یا بالفعل دارای مشکلات رفتاری یا عاطفی روانی است (استورمونت و همکاران، ۲۰۱۱). همچنین ۷۰ تا ۸۰ درصد آنان مداخله مناسب را دریافت نمی‌کنند (زارع و احمدی، ۱۳۸۶). این اختلالات موجب بروز ناتوانی‌هایی نظیر عزت‌نفس پایین، فراخوانی توجه کم، ناکامی در ارتباط با اعضای خانواده و اطرافیان، در کودکان می‌شود (پورحسین و همکاران، ۱۳۹۴). این اختلالات همچنین قوی‌ترین پیش‌بینی‌کننده اختلالات در بزرگسالی هستند (اسکالیسکا و همکاران، ۲۰۱۵) به‌طوری‌که بیش از سه چهارم جوانان مبتلا به اختلالات روان‌پزشکی، اولین نشانه‌های تشخیصی اختلال را از دوران کودکی و نوجوانی داشته‌اند (کوپلند و همکاران، ۲۰۰۹).

«مشکلات رفتاری»، به رفتارهایی گفته می‌شود که از نظر اجتماعی یک مشکل و منبع نگرانی محسوب می‌شود، یا با توجه به نرم‌هنجارهای اجتماعی نامطلوب ارزیابی می‌شوند (جیسور و جیسور، ۱۹۷۷ نقل از: دونووان و جیسور، ۱۹۸۵). تاکنون طبقه‌بندی‌های مختلفی برای اختلالات رفتاری صورت گرفته است. از جمله آنها تقسیم‌بندی مشکلات به دو دسته، اختلالات رفتاری درونی‌سازی شده و اختلالات رفتار برونی‌سازی شده است. این تقسیم‌بندی، اولین بار توسط آخباخ (۱۹۶۶) مطرح شد (لوسک (Levesque)، ۲۰۱۱).

عوامل مختلفی موجب شکل‌گیری مشکلات رفتاری در کودکان می‌شود. در این بین، نقش خانواده بسیار مهم می‌باشد. به‌گونه‌ای که عوامل خانوادگی ارتباط نزدیکی با سلامت روانی کودکان دارد (وانگ و زئو، ۲۰۱۵). ادبیات پژوهشی قابل توجهی از وجود رابطه قوی میان رفتار والدین و رفتار کودکان حمایت می‌کند (مانتیما و همکاران، ۲۰۱۲). مطالعات نشان می‌دهند که سلامت روانی والدین و چگونگی برخورد آنها با کودکان، یکی از مهم‌ترین عوامل بروز اختلالات روانی در کودکان است (کیلینگ و همکاران، ۲۰۱۱). برخی بررسی‌ها نشان می‌دهد مادران در مقایسه با پدران، به میزان ۵ به ۱ در شکل‌گیری مشکلات کودکان نقش دارند (مکوندی و همکاران، ۱۳۷۷). از این‌رو، مادر به‌عنوان کانون سلامتی یا بیماری کودک محسوب می‌شود (ریاحی و همکاران، ۱۳۹۱).

پژوهش‌ها این امر را به‌خوبی نشان می‌دهد که سلامت روان مادران با مشکلات عاطفی رفتاری کودکان رابطه دارد (گائو و همکاران، ۲۰۰۷؛ لیریا و والک، ۲۰۱۳؛ وانگ و زئو، ۲۰۱۵) مانند رابطه مثبت میان افسردگی والدین و مشکلات برونی‌سازی شده کودکان (ناکس (Knox) و همکاران، ۲۰۱۱). برخی پژوهش‌ها نیز بیانگر رابطه بسیار قوی سلامت روانی مادران با مشکلات درونی‌سازی شده و برونی‌سازی شده کودکان است (استونه و همکاران، ۲۰۱۵). با این حال، اکثر تحقیقات در بررسی نقش مادر، بیشتر وضعیت فعلی مادر را مورد مطالعه قرار می‌دهند و تحقیقات اندکی مشکلات مادر - کودک را در بستر خانواده‌ای که مادر در آن رشد یافته بررسی کرده‌اند. درحالی‌که برخی پژوهش‌ها نشان می‌دهد در بروز مشکلات فعلی مادر - کودک، بیشتر از حالت افسردگی مادر، روابط سابق

موجود در خانواده پدری آن مادر تأثیر دارد (ماش و جانستون، ۱۹۹۶؛ ومبولد و همکاران، ۲۰۱۵). در مدل روان‌بنه‌درمانی یانگ چنین مشکلاتی که به‌طور عمده در خانواده پدری به وجود می‌آید، در قالب روان‌بنه‌های ناسازگار اولیه مورد بررسی قرار می‌گیرند. یانگ معتقد است: روان‌بنه‌های ناشی از تجارب ناگوار دوران کودکی می‌تواند هسته اصلی اختلالات شخصیت، مشکلات منش‌شناختی خفیف‌تر و بسیاری از اختلالات مزمن محور I را شکل دهد (یانگ و همکاران، ۲۰۰۳).

پژوهش‌های کمی درباره تأثیر روان‌بنه‌های ناسازگار اولیه والدین بر فرزندان وجود دارد. در حالی که، وجود روان‌بنه‌های ناسازگار اولیه در مادران حاکی از وجود برخی اختلالات روانی است. مطالعات نشان می‌دهد که سلامت روانی والدین و نحوه برخورد آنها با کودکان یکی از مهم‌ترین عوامل بروز اختلالات روانی می‌باشد (کیلینگ و همکاران، ۲۰۱۱). مطابق برخی مطالعات فرزندان مادرانی با افکار غیرمنطقی، بیشتر از فرزندان سایر مادران در معرض مشکلات جدی رفتاری قرار دارند. همچنین، باورهای غیرمنطقی موجب رفتار و احساسات نامناسب مثل خشم و پرخاشگری در والدین و موجب بدرفتاری والدین با فرزندان می‌شود (سلیمی و همکاران، ۱۳۸۸). ویژگی‌های نابهنجار مادر نقش مؤثری در اثرات روانی کودک به‌خصوص تحول شخصیت کودک دارد (بابایی و همکاران، ۱۳۸۷) مانند وجود رابطه میان منفی‌گرایی بیش از حد مادرانه و سردی روابط والد - کودک (فرزادفرد و هومن، ۱۳۸۷).

از جمله عوامل دیگری که در رابطه مادر - کودک، کمتر مورد پژوهش قرار گرفته است، دینداری مادران است. از این میان، سهم پژوهش‌های مربوط به دین اسلام بسیار اندک است. یکی از نقات ضعف موجود در تحقیقات مربوط به دینداری کم بودن پژوهش‌ها در حوزه ادیان غیرمسیحی از جمله اسلام است (مارکس، ۲۰۰۶). مطالعات متعددی در مورد تأثیر دینداری والدین بر ابعاد مختلف والدگری انجام شده است، اما عمدتاً آمریکایی هستند (ورمر، ۲۰۱۱). دینداری، در صورت شکل دادن به باورهای اساسی و رفتارها می‌تواند در سلامت روان افراد نقش داشته باشد (جاگت-جلسما و همکاران، ۲۰۱۱؛ شاتن‌باوئر و همکاران، ۲۰۰۷). دینداری مادران یک پیش‌بین قوی برای سازگاری مادر و کودک است (برت، ۲۰۱۰؛ کیم و همکاران، ۲۰۰۹). بر مبنای نظریه کنترل اجتماعی، دینداری والدین نقش محافظ در برابر ناسازگاری کودکان‌شان داشته و موجب نظارت آگاهانه و مؤثر بر کودکان می‌شود (کیم و همکاران، ۲۰۰۹). همچنین، تعامل دو متغیر روان‌بنه‌های ناسازگار اولیه و دینداری مادران مهم است. از سویی، روان‌بنه‌های ناسازگار اولیه، علاوه بر به خطر انداختن سلامت روان، می‌تواند سلامت معنوی فرد را نیز تحت تأثیر قرار دهد (جان‌بزرگی و دائمی، ۱۳۹۵). از سوی دیگر، دینداری با تقویت ویژگی‌های فضیلت‌پرور در تقویت سلامت روان مؤثر است (باقری و همکاران، ۱۳۹۰) و تأثیر عمیقی بر فرزندپروری و نقش والدین می‌گذارد (یونگ و همکاران، ۲۰۱۶). براین اساس، با توجه به خلأ پژوهشی در رابطه میان مشکلات رفتاری کودکان با مادران، در سطح روان‌بنه‌ها و دینداری، این پژوهش رابطه دینداری و روان‌بنه‌های مادران با مشکلات رفتاری کودکان را در قالب فرضیه‌های زیر مورد بررسی قرار می‌دهد:

۱. دینداری مادر، مشکلات رفتاری کودک را پیش‌بینی می‌کند.

۲. روان‌بنه‌های ناسازگار مادر، مشکلات رفتاری کودک را پیش‌بینی می‌کند.

۳. دینداری و روان‌بنه‌های مادران در یک مدل ترکیبی، مشکلات رفتاری کودکان را پیش‌بینی می‌کند.

روش پژوهش

این پژوهش، توصیفی و از نوع همبستگی است که در آن رابطه متغیرهای روان‌بنه‌های ناسازگار اولیه مادران، دینداری مادران با مشکلات رفتاری کودکان مورد بررسی قرار گرفت. بدین منظور، همه دانش‌آموزان دختر و پسر پایه‌های اول تا چهارم مقطع ابتدایی شهر قم در سال تحصیلی ۹۴-۹۵ و مادران آنان به‌عنوان جامعه آماری در نظر گرفته شدند. بر اساس آمار اداره کل آموزش و پرورش استان قم تعداد دانش‌آموزان مقاطع مذکور ۷۸۲۱۱ نفر بود. نمونه‌گیری، به روش خوشه‌ای چندمرحله‌ای صورت گرفت. بدین منظور، از هر یک از نواحی چهارگانه شهر قم دو مدرسه (یکی دخترانه و یکی پسرانه) به‌صورت تصادفی انتخاب گردید. در مرحله بعدی از میان کلاس‌های مدارس مذکور، یک کلاس به‌صورت تصادفی برگزیده شد. پس از توجیه دانش‌آموزان پرسش‌نامه‌ها از طریق ایشان در اختیار مادران قرار گرفت. در نهایت، با حذف پرسش‌نامه‌های ناقص، تعداد ۳۸۶ پرسش‌نامه به‌عنوان نمونه این پژوهش انتخاب گردید.

ابزارهای پژوهش

سیاهه رفتاری کودک آخنباخ ۶ تا ۱۸ سال (CBCL): در این پژوهش، از فرم گزارش والدین فهرست رفتاری کودک که یکی از چهار مؤلفه سیاهه رفتاری کودک (CBCL) است، استفاده شده است. این پرسش‌نامه از ۱۱۳ سؤال تشکیل یافته است. نمره کل مشکلات رفتاری از طریق جمع نمرات دو گروه عمده درونی‌سازی، برونی‌سازی به همراه جمع نمرات چهار خرده‌مقیاس باقیمانده (مشکلات تفکر، مشکلات اجتماعی، مشکلات توجه و سایر مشکلات) به‌دست می‌آید. به هر سؤال حداقل صفر و حداکثر ۲ نمره تعلق می‌گیرد (مینایی، ۱۳۸۴). در ایران یزدخواستی و عریضی (۱۳۹۰) نسخه والدین CBCL را در اصفهان در نمونه ۱۸۸۰ نفری دختر و پسر ۷ تا ۱۱ ساله اجرا کردند و ضریب پایایی CBCL را به دو روش آلفای کرونباخ و همبستگی نسخه‌های هم‌تا بررسی کردند. روش آلفای کرونباخ نشان داد که پایایی نسخه پدر/مادر، برای پسران از ۰/۳۵ تا ۰/۴۴ در بخش فعالیت‌ها و از ۰/۳۵ تا ۰/۹۰ در بخش مشکلات رفتاری - هیجانی متغیر بود. این میزان، برای دختران از ۰/۴۲ تا ۰/۵۶ در بخش مهارت‌ها و از ۰/۴۰ تا ۰/۸۰ در بخش مشکلات رفتاری - هیجانی متغیر بود.

فرم کوتاه پرسش‌نامه روان‌بنه ناسازگار اولیه یانگ (YSQ-SF): فرم کوتاه این پرسش‌نامه با ۷۵ آیتم در سال ۱۹۹۸ توسط یانگ برای اندازه‌گیری روان‌بنه‌های ناسازگار اولیه ساخته شد که ۱۵ روان‌بنه غیرانطباقی اولیه را ارزیابی می‌کند (صدوقی و همکاران، ۱۳۸۷). هر روان‌بنه توسط پنج سؤال سنجیده می‌شود و به هر گویه، نمره‌ای بین ۱ تا ۶ تعلق می‌گیرد. برای به‌دست آوردن نمره خرده‌مقیاس میانگین نمره پنج سؤال محاسبه می‌شود و چنانچه بالاتر از ۳ باشد، آن روان‌بنه ناکارآمد خواهد بود (زارع و عبدالله‌زاده، ۱۳۹۱). این پرسش‌نامه، در ایران توسط *دینداری* و

همکاران (۱۳۸۸) در نمونه ۵۹۳ نفری از دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد کاشمر (۳۷/۴۴ درصد زن و ۶۲/۵۶ درصد مرد) اجرا گردید. میزان آلفای کرونباخ کل محاسبه شده با ۷۵ آیتم برابر با ۰/۹۴ محاسبه شد. ضرایب همسانی درونی در دامنه ۰/۶۵ تا ۰/۹۲ بیانگر همسانی درونی بالای خرده‌مقیاس‌های این پرسش‌نامه می‌باشد. پرسش‌نامه دینداری آذربایجانی: این پرسش‌نامه، دارای دو زیرمقیاس عقائد و اخلاق - مناسک دینی است (آذربایجانی، ۱۳۸۰). از ویژگی‌های بارز و مثبت این پرسش‌نامه ارائه الگوی ده مؤلفه‌ای است که برای هر مقوله بین ۵ تا ۱۷ ماده تهیه شده است (خدایاری‌فرد و همکاران، ۱۳۹۰، ص ۲۲۰). پاسخ هر سؤال، بین ۱ تا ۴ نمره دارد. نمره شخص در این مقیاس، در دامنه ۷۰ تا ۲۸۰ متغیر است. با جمع نمرات، نمره کلی آزمودنی در مورد دینداری اسلامی و در دو مقوله کلی عقاید، مناسک و اخلاق به‌دست می‌آید. نمرات بالا بیانگر گرایش‌های مذهبی قوی‌تر است (صدیقی و همکاران، ۱۳۹۳). این مقیاس را در ایران *آذربایجانی* (۱۳۸۰) اعتباریابی کرده است. اعتبار سازه آن از طریق نمونه‌ای به حجم ۳۷۸ نفر از دانشجویان دانشگاه تهران، دانشگاه آزاد تهران و طلاب حوزه علمیه قم مورد تأیید قرار گرفت. بر اساس ضریب آلفای کرونباخ، پایایی آن برای زیرمقیاس عقاید و مناسک ۰/۹۴ و برای زیرمقیاس اخلاق ۰/۷۹ و برای کل مقیاس ۰/۹۳ به‌دست آمد. همچنین، در بررسی روایی محتوای این آزمون از طریق جمع‌آوری نظرات کارشناسان اسلامی، میزان ۰/۷۶ به‌دست‌آمده است (خدایاری‌فرد و همکاران، ۱۳۹۰، ص ۲۱۹).

یافته‌های پژوهش

در جدول ۱، ماتریس همبستگی میان نمره کل و زیرمقیاس‌های دینداری مادران با نمره کل مشکلات رفتاری کودکان ارائه شده است.

جدول ۱. ماتریس همبستگی میان نمره کل و زیرمقیاس‌های دینداری مادران با نمره کل مشکلات رفتاری کودکان

مشکلات رفتاری کودکان	مشکلات رفتاری کودکان
۱	مشکلات رفتاری کودکان
**-/۲۲۷	نمره کل دینداری
**-/۲۰۱	زیرمقیاس عقاید - مناسک
**-/۲۳۹	زیرمقیاس اخلاق
**P<۰/۰۰۱	

چنانچه در جدول نیز ملاحظه می‌شود، میان نمره کل مشکلات رفتاری کودک با نمره کل دینداری مادران، یک رابطه معنادار معکوس وجود دارد. از میان دو زیرمقیاس دینداری، زیرمقیاس اخلاق رابطه معکوس قوی‌تری را در برابر زیرمقیاس عقائد - مناسک نشان می‌دهد. همچنین، میان نمره کل مشکلات رفتاری کودکان با نمره کل روان‌بنه‌های ناسازگار مادران نتایج، یک رابطه معنادار مستقیم با شدت بالا را نشان می‌دهد. رابطه حوزه‌های روان‌بنه‌های ناسازگار اولیه مادران با مشکلات رفتاری کودکان در دامنه‌های بین $T=۰/۳۶۰$ تا $T=۰/۴۵۳$ قرار دارد و بیانگر رابطه معنادار و مثبت با شدت متوسط تا قوی میان مشکلات رفتاری کودکان با هر یک از حوزه‌های روان‌بنه‌های ناسازگار اولیه مادران می‌باشد. مادرانی که دارای روان‌بنه‌های ناسازگار بیشتری هستند، کودکان‌شان مشکلات رفتاری بیشتری دارند.

در جدول ۲، برای پیش‌بینی مشکلات رفتاری کودکان توسط زیرمقیاس‌های دینداری (زیرمقیاس عقائد - مناسک و اخلاق) از رگرسیون چندگانه (مدل همزمان) استفاده گردید.

جدول ۲. تحلیل رگرسیون چندگانه در پیش‌بینی مشکلات رفتاری کودکان از روی دینداری مادران

متغیر پیش‌بین	B	SE	Beta	T	P	F _{۳، ۳۸۳}	R	R ²	R تعدیل شده
زیرمقیاس عقائد - مناسک	۰/۰۰۲	۰/۰۰۲	۰/۰۴۷	۰/۷۲۶	۴۶۸	۲۵/۱۰۲	۰/۳۴	۰/۱۱۶	۰/۱۱۱
زیرمقیاس اخلاق	-۰/۰۱۲	۰/۰۰۲	-۰/۳۷۰	-۰/۷۲۲	۰/۰۰۰۵	<۰/۰۰۰۵			

زیرمقیاس عقائد - مناسک (مادران) در این مدل پیش‌بینی کننده، معنادار نبود. اما تحلیل رگرسیون یک رابطه خطی منفی را بین زیرمقیاس اخلاق (مادران) و مشکلات رفتاری کودکان نشان می‌دهد که می‌تواند ۱۳/۶ درصدی از واریانس مشکلات رفتاری کودکان را تبیین کند. از آنجاکه دینداری مادران در مجموع می‌تواند ۱۱/۶ درصد از مشکلات رفتاری کودکان را در سطح معناداری پیش‌بینی کند، بنابراین فرضیه اول تأیید می‌گردد.

در جدول ۳، ماتریس همبستگی میان نمره کل و حوزه‌های روان‌بنه‌های ناسازگار اولیه مادران با مشکلات رفتاری کودکان آمده است:

جدول ۳ ماتریس همبستگی میان نمره کل و حوزه‌های روان‌بنه‌های ناسازگار اولیه مادران با مشکلات رفتاری کودکان (**P<۰/۰۰۱)

مشکلات رفتاری کودکان	مشکلات رفتاری کودکان
۱. مشکلات رفتاری کودکان	۱
۲. کل روان‌بنه‌های ناسازگار اولیه	**/۵۱۵
۳. حوزه بریدگی و طرد	**/۴۵۳
۴. حوزه خودمختاری و عملکرد مختل	**/۴۳۶
۵. حوزه دیگر جهت‌مندی	**/۳۹۵
۶. حوزه بازداری و فزون‌گوش‌به‌زنگی	**/۳۶۰
۷. حوزه محدودیت‌های مختل	**/۳۸۲

نتایج، یک رابطه معنادار مستقیم با شدت بالا را نشان می‌دهند. رابطه حوزه‌های روان‌بنه‌های ناسازگار اولیه مادران با مشکلات رفتاری کودکان در دامنه‌ای بین $r=۰/۳۶۲$ تا $r=۰/۴۹۳$ قرار دارد و بیانگر رابطه معنادار و مثبت با شدت متوسط تا قوی میان مشکلات رفتاری کودکان با هر یک از حوزه‌های روان‌بنه‌های ناسازگار اولیه مادران می‌باشد. مادرانی که دارای روان‌بنه‌های ناسازگار بیشتری هستند، کودکان‌شان مشکلات رفتاری بیشتری دارند.

در جدول ۴، برای پیش‌بینی مشکلات رفتاری کودکان از روی پنج حوزه روان‌بنه‌های ناسازگار اولیه مادران (حوزه بریدگی و طرد، خودمختاری و عملکرد مختل، دیگر جهت‌مندی، بازداری و فزون‌گوش‌به‌زنگی و محدودیت‌های مختل)، از رگرسیون چندگانه (مدل همزمان) استفاده گردید.

جدول ۴. رگرسیون همزمان برای پیش‌بینی مشکلات رفتاری کودکان توسط حوزه‌های پنج‌گانه روان‌بنه‌های ناسازگار اولیه مادران

متغیر پیش‌بین	B	SE	Beta	t	P	F _{۵، ۳۸۰}	R	R ²	R تعدیل شده
۱. حوزه بریدگی و طرد	۰/۲۵۹	۰/۰۸۴	۰/۲۰۱	۳/۰۹۴	۰/۰۰۲	۲۷/۷۰۱ <۰/۰۰۰۵	۰/۵۱	۰/۲۶۷	۰/۲۵۷
۲. حوزه خودمختاری و عملکرد مختل	۰/۲۲۹	۰/۰۸۴	۰/۱۷۰	۲/۷۱۱	۰/۰۰۷				
۳. حوزه دیگر جهت‌مندی	۰/۰۹۴	۰/۰۶۷	۰/۰۸۹	۱/۴۰۹	۰/۱۶۰				
۴. حوزه بازداری و فزون‌گوش‌به‌زنگی	۰/۰۵۰	۰/۰۵۹	۰/۰۵۶	۰/۸۵۴	۰/۳۹۳				
۵. حوزه محدودیت‌های مختل	۰/۱۱۰	۰/۰۵۶	۰/۱۱۴	۱/۹۷۰	۰/۰۶۱				

ارزیابی مدل نشان می‌دهد که از میان پنج حوزه، سه حوزه «حوزه دیگر جهت‌مندی»، «حوزه بازداری و فزونی گوش‌به‌زنگی» و «حوزه محدودیت‌های مختل»، در این مدل پیش‌بینی‌کننده معناداری نبودند. اما تحلیل رگرسیون یک رابطه خطی مثبت را بین روان‌بنه‌های ناسازگار مادران در حوزه‌های «بریدگی و طرد» و «خودمختاری و عملکرد مختل» با مشکلات رفتاری کودکان نشان می‌دهد که در مجموع ۲۶/۷ درصد از واریانس مشکلات رفتاری کودکان را تبیین می‌کنند. در این میان، هر یک از حوزه‌های «بریدگی و طرد» و «خودمختاری و عملکرد مختل»، به ترتیب بیشترین درصد پیش‌بینی مشکلات رفتاری کودکان را دارند. با توجه به اینکه پنج حوزه روان‌بنه‌های ناسازگار اولیه مادران می‌تواند ۲۶/۷ درصد از مشکلات رفتاری کودکان را در سطح معناداری پیش‌بینی کند، فرضیه دوم تأیید می‌شود.

برای پیش‌بینی مشکلات رفتاری کودکان از روی دینداری و روان‌بنه‌های ناسازگار اولیه مادران، در یک مدل ترکیبی، زیرمقیاس‌هایی که از هر دو متغیر پیش‌بین، مطابق دو فرضیه قبلی دارای رابطه معنادار بودند در یک مدل رگرسیون چندگانه به روش همزمان وارد شدند و مدل معناداری به‌دست آمد که در جدول ۶ قابل مشاهده است:

جدول ۶. رگرسیون همزمان برای پیش‌بینی مشکلات رفتاری کودکان توسط زیرمقیاس اخلاق و حوزه‌های بریدگی و طرد و خودمختاری و عملکرد مختل

متغیرهای پیش‌بین	B	SE	Beta	T	P	F _(۳,۲۸۲)	R	R ²	R تعدیل شده
۱. زیرمقیاس اخلاق	-۰/۰۰۵	۰/۰۰۲	-۰/۱۳۸	-۲/۷۳۹	۰/۰۰۲	۴۲/۵۵۱ <۰/۰۰۰۵	۰/۵۰	۰/۲۵۰	۰/۲۴۵
۲. حوزه بریدگی و طرد	۰/۳۱۵	۰/۰۸۱	۰/۲۴۴	۳/۸۹۲	<۰/۰۰۰۵				
۳. حوزه خودمختاری و عملکرد مختل	-۰/۲۸۷	۰/۰۸۲	-۰/۲۱۳	۳/۴۹۷	<۰/۰۰۰۵				

بررسی مدل نشان می‌دهد که هر سه متغیر پیش‌بین در یک مدل ترکیبی اولاً، همچنان دارای قدرت پیش‌بینی معنادار هستند. اگر چه قدرت پیش‌بینی زیرمقیاس اخلاق نسبت به مدلی که در فرضیه اول مطرح بود بیش از نصف کاهش یافته است (۰/۱۳۸ → $\beta = ۰/۳۷۰$). همچنین، قدرت پیش‌بینی حوزه بریدگی و طرد (۰/۲۲۴ → $\beta = ۰/۲۰۱$) و حوزه خودمختاری و عملکرد مختل (۰/۲۱۳ → $\beta = ۰/۱۷۰$) افزایش یافته است. ثانیاً، دو حوزه از روان‌بنه‌های ناسازگار اولیه دارای قدرت پیش‌بینی بالاتری نسبت به زیرمقیاس اخلاق هستند. در مجموع، ۲۵ درصد از تغییر در مشکلات رفتاری کودکان توسط بُعد اخلاقی دینداری مادران و روان‌بنه‌های ناسازگار اولیه مادران در حوزه‌های «بریدگی و طرد» و «خودمختاری و عملکرد مختل» قابل تبیین است و به ترتیب، حوزه‌های «بریدگی و طرد»، «خودمختاری و عملکرد مختل» و سپس زیرمقیاس اخلاق بیشترین سهم را در پیش‌بینی مشکلات رفتاری کودکان دارا می‌باشند. بنابراین، فرضیه سوم نیز تأیید می‌گردد.

بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که دینداری می‌تواند به نحو معناداری، مشکلات رفتاری کودکان را پیش‌بینی کند و مادرانی که از اخلاق اسلامی بیشتری بهره‌مند هستند، کودکانشان مشکلات رفتاری کمتری دارند. نتایج به‌دست‌آمده در این بخش از پژوهش با یافته‌های چگنی (۱۳۸۹) و شانن باوئر و همکاران (۲۰۰۷) همسو می‌باشد. در تبیین این یافته می‌توان گفت: دینداری مادر با سازمان‌دهی یکسری رفتارهای مذهبی و ایجاد مقابله مذهبی و

مهم‌تر از همه سبک والدگری خاص، موجب بهبودی کودک گشته و می‌تواند با جلوگیری از بروز مشکلات رفتاری تأثیر مثبت و معناداری را بر کودک داشته باشد (شانتن باور و همکاران، ۲۰۰۷). بُعد اخلاقی پرسش‌نامه دینداری - که بر اساس منابع اسلامی تهیه شده است - شامل مؤلفه‌هایی است که می‌تواند در پیشگیری و کنترل مشکلات رفتاری کودک مؤثر باشد (خدایاری‌فرد و همکاران، ۱۳۹۰، ص ۲۱۷). از جمله می‌توان به: ۱. امانتداری؛ ۲. سفارش به گفتار نرم؛ ۳. رواداری؛ ۴. رعایت حقوق دیگران اشاره کرد که با توجه به آموزه‌های غنی اسلامی در مورد این مؤلفه‌ها، هر یک می‌تواند به‌عنوان بازدارنده قوی در برابر آن دسته از رفتارهای مادرانه باشد که بر مشکلات رفتاری کودک دامن می‌زند. برای نمونه، از منظر اسلامی یکی از امانت‌هایی که یک مسلمان در برابر آن باید پاسخگو باشد، کودک است (قباچی، ۱۴۲۲ق، ص ۴۳۸). در روایتی تأکید شده است که معیار دینداری، صرفاً انجام مناسک دینی نیست، بلکه امانتداری و راستگویی میزان دینداری است (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۱۰۵). امانت چیزی است که در روز قیامت نسبت به آن بازخواست صورت می‌گیرد و امانتداری شامل پاداش اخروی است و در مقابل، عدم امانتداری عذاب اخروی را در پی خواهد داشت. بنابراین، مراقبت و برخورد صحیح با کودک از نگاه مادر مسلمان اهمیت ویژه‌ای دارد و این دقت در برخورد و مراقبت می‌تواند به نحو مؤثری از بروز مشکلات رفتاری در کودک جلوگیری کند. همچنین، بر اساس نتایج این تحقیق میان بُعد عقائد - مناسک دینداری با مشکلات رفتاری کودک رابطه معناداری به‌دست نیامد. این یافته، همسو با پژوهش یعقوبی‌دوست و عنایت (۱۳۹۲) است که انجام دادن مناسک دینی رابطه‌ای با رفتارهای خشونت‌آمیز والدین نداشته است. این نتیجه، ناشی از باورهایی است که نتوانسته‌اند از مرحله بینش و نگرش به مرحله عمل و رفتار برسد. از منظر اسلامی، تا زمانی که دین از مرحله اعتقاد به عمل نرسد، نمی‌تواند کارکرد خود را داشته باشد (طباطبائی، ۱۳۶۸، ص ۱۳).

مطابق بخشی از یافته‌های این پژوهش، مشکلات رفتاری کودک رابطه معناداری را با پنج حوزه روان‌بنه‌های ناسازگار اولیه مادران دارد. از این میان، تحلیل رگرسیون همزمان نشان داد که روان‌بنه‌های ناسازگار مادران در حوزه‌های «بریدگی و طرد» و «خودمختاری و عملکرد مختل»، مشکلات رفتاری کودکان را در یک رابطه خطی مثبت پیش‌بینی می‌کنند. این یافته، با نتایج پژوهش‌های ریاحی و همکاران (۱۳۹۱) و سلیمی و همکاران (۱۳۸۸) همسو می‌باشد. در تبیین این یافته باید گفت: پژوهش فریمن نشان می‌دهد که داشتن روان‌بنه‌های ناسازگار اولیه پیش‌بینی‌کننده ناسازگاری بین‌فردی است. این ناسازگاری در رابطه مادر - کودک می‌تواند منجر به بروز مشکلات رفتاری گردد (ر.ک: یانگ و همکاران، ۲۰۰۳). به این صورت که تعامل ضعیف مادر - کودک و رفتارهای ضعیف والدینی به‌عنوان میانجی‌هایی در ارتباط مابین سلامت روانی مادران و مشکلات درونی و بیرونی کودکان عمل می‌کنند (وانگ و زئو، ۲۰۱۵). به باور یانگ و همکاران (۲۰۰۳)، افرادی که روان‌بنه‌های ناسازگار اولیه‌شان در حوزه بریدگی و طرد قرار دارد غالباً دارای بیشترین آسیب هستند، دوران کودکی تکان‌دهنده‌ای داشتند و نمی‌توانند دلبستگی‌های ایمن و رضایت‌بخشی با دیگران برقرار کنند. درحالی‌که در خانواده کودکانی که دچار مشکلات رفتاری هستند، منفی‌گرایی بیش از حد مادرانه و سردی روابط والد - کودک گزارش شده است (فرزادفرد و هومن،

۱۳۸۷). این امر می‌تواند حاکی از وجود روان‌بنه‌های این حوزه در چنین مادرانی باشد.

همچنین، در تبیین فرضیه سوم، جان‌بزرگی و دائمی (۱۳۹۵) معتقدند: با توجه به اینکه روان‌بنه‌های ناسازگار اولیه الگویی برای عمل هستند؛ این الگو می‌تواند یادگیری مذهب را - به‌ویژه زمانی که مذهب از مسیر افرادی آموزش داده می‌شود که در شکل‌دهی روان‌بنه‌های ناسازگار سهیم‌اند - با مشکل جدی مواجه کند. البته از آنجایی که اصلاح روان‌بنه‌ها با افزایش آگاهی امکان‌پذیر است (احمدوند، ۱۳۸۳)، دین می‌تواند با دادن آگاهی درست به فرد تا حدی روان‌بنه‌های ناسازگار اولیه را مهار کند. باورهای معنوی و اعمال دینی روش‌های مواجهه با سختی، تجربه درد و رنج و معنای نشانگان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. همچنین می‌تواند باورهای مربوط به فرضیات علی و نگرش افراد را تحت تأثیر قرار دهد (والش، ۲۰۰۹). بر اساس نظریه مبتنی بر اعتقاد انتخاب‌های نگرشی و رفتاری افراد به شدت تحت تأثیر باورهایشان قرار دارد (یونگ و همکاران، ۲۰۱۶). ویژگی‌های دینی فرد از جمله عواملی است که در جهت‌گیری کنش، واکنش و تعامل افراد نقش دارد. این ویژگی‌ها در طی سال‌ها روان‌بنه‌هایی را شکل می‌دهد که به‌طور مستقیم بر رفتار و خصامشی‌های کلی ما تأثیر می‌گذراند و برای به‌دست آوردن معنایی در دنیای فرد کمک می‌کنند (فریمن و فریمن، ۲۰۰۵).

پژوهش چگتی (۱۳۸۹)، نشان می‌دهد که میان نگرش مذهبی و اختلالات روانی رابطه منفی معناداری وجود دارد. برخی از مؤلفه‌های اخلاقی اسلام مانند صبر و پایداری، عزت‌نفس، رعایت حقوق دیگران - که در پرسش‌نامه نیز لحاظ شده است - می‌تواند به نحو مؤثری در حوزه‌های روان‌بنه‌های مذکور تأثیرگذار باشد. برای نمونه، اسلام توصیه‌های ویژه و فراوانی را برای رعایت حقوق دیگران دارد. از منظر دینی ضایع کردن حقوق دیگران به قدری اهمیت دارد که با صرف توبه نیز قابل جبران نیست و باید حتماً حق از دست رفته به صاحبش بازگردانده شود. در قرآن کریم (مطففین: ۴)، توجه به پیامدهای حق الناس به‌عنوان یک عامل بازدارنده و مهارکننده در برابر تضییع حقوق معرفی شده است (ر.ک: مظاهری، ۱۳۸۶). توجه دادن دین به رعایت حق دیگران به‌خصوص اطرافیان باعث می‌گردد تا مادرانی که در حوزه‌های بریدگی و طرد و خودگردانی و عملکرد مختل روان‌بنه‌های ناسازگار دارند؛ با ایمان به آموزه‌های دینی، تمام تلاش خود را در عدم فعال شدن روان‌بنه‌های ناسازگار - به‌خصوص در ارتباط با کودک - به‌کار گیرند.

از سوی دیگر، جهت‌گیری مذهبی بیرونی می‌تواند موجب شود تا دین تأثیر مطلوب مورد انتظار را در زندگی فرد نداشته باشد. با توجه به اینکه پرسش‌نامه دینداری مورد استفاده در این پژوهش، جهت‌گیری مذهبی را نشان نمی‌دهد، خود می‌تواند تبیینی بر پایین بودن سهم دینداری در برابر روان‌بنه‌های ناسازگار اولیه در مدل ارائه شده در فرضیه سوم باشد.

محدودیت‌ها: به دلیل وجود برخی ویژگی‌های فرهنگی - مذهبی در جامعه آماری این پژوهش، به نظر می‌رسد سطح دینداری نسبت به سایر شهرها بالاتر باشد. این امر می‌تواند نتایج و تعمیم آن را تحت تأثیر قرار دهد. همچنین، تکمیل پرسش‌نامه‌ها با واسطه‌مندی مدارس صورت گرفت که می‌تواند موجب سوگیری در گزارش مادران گردد.

پیشنهادها: پژوهش مشابه در سایر شهرها انجام شود. همچنین، در پژوهش‌های بعدی سایر مقاطع تحصیلی نیز مورد پژوهش قرار گیرد و نمونه‌ها از محیط‌هایی غیر از مدارس انتخاب شوند و مادران به‌صورت مستقیم نسبت به پژوهش توجیه شوند.

منابع

- آذربایجانی، مسعود، ۱۳۸۰، «آزمون جهت‌گیری مذهبی با تکیه بر اسلام»، *روشن‌شناسی علوم انسانی*، سال هفتم، ش ۳۹، ص ۳۵-۶۰
- احمدوند محمدعلی، ۱۳۸۳، «تأثیر تحصیلات بر تغییر ساختار طرحواره‌های تبعیض جنسی»، *دانشور رفتار*، سال یازدهم، ش ۴، ص ۱۵-۲۴.
- بابایی، انسیه و همکاران، ۱۳۸۷، «بررسی رابطه ابعاد شخصیتی مادر با اضطراب در کودکان»، *علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه سیستان و بلوچستان*، دوره پنجم، ش ۱، ص ۱-۱۴.
- باقری، مسعود و همکاران، ۱۳۹۰، «رابطه «دینداری» و «ابعاد شخصیت» با «سلامت روان» معلمان شهرستان رودان»، *مطالعات اسلام و روان‌شناسی*، سال پنجم، ش ۹، ص ۷-۳۹.
- پورحسین، رضا و همکاران، ۱۳۹۴، «میزان شیوع اختلالات رفتاری در کودکان پیش‌دبستانی»، *اصول بهداشت روانی*، سال هفدهم، ش ۵، ص ۲۳۴-۲۳۹.
- جان‌بزرگی، مسعود و فاطمه دائمی، ۱۳۹۵، «تأثیر روان‌بنه‌های ناسازگار نخستین بر تحول روانی معنوی: یک متغیر تعدیل‌گر در روان‌درمانگری»، *مطالعات اسلام و روان‌شناسی*، سال دهم، ش ۱۸، ص ۷-۲۶.
- چگنی، ذبیح‌الله بهرامی، ۱۳۸۹، «بررسی رابطه بین دینداری با اختلالات روانی دانشجویان دانشگاه آزاد خرم‌آباد»، *روان‌شناسی و دین*، سال سوم، ش ۲، ص ۹۶-۱۰۲.
- خدایاری‌فرد، محمد و همکاران، ۱۳۹۰، *مبانی نظری و روش‌شناسی مقیاس‌های دینداری به انضمام پرسش‌نامه‌های دینداری*، تهران، آوای نور.
- دیوانداری، حسن و همکاران، ۱۳۸۸، «فرم کوتاه پرسش‌نامه طرح‌واره یانگ (SQ-SF): بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی و ساختار عاملی بین دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد کاشمر سال تحصیلی ۸۶-۱۳۸۵»، *پژوهش‌نامه تربیتی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بجنورد*، سال پنجم، ش ۲۰، ص ۱۰۳-۱۳۳.
- ریاحی، فروغ و همکاران، ۱۳۹۱، «مشکلات رفتاری کودکان و ارتباط آن با سلامت روان مادران»، *فصلنامه دانشگاه علوم پزشکی چهارم*، دوره دهم، ش ۱، ص ۴۶-۵۲.
- زارع، حسین و حسن عبداله‌زاده، ۱۳۹۱، *مقیاس‌های اندازه‌گیری در روان‌شناسی شناختی*، تهران، آبیژ.
- زارع، مهدی و سونیا احمدی، ۱۳۸۶، «اثربخشی بازی‌درمانی به شیوه رفتاری شناختی در کاهش مشکلات رفتاری کودکان»، *روان‌شناسی کاربردی*، دوره اول، ش ۳، ص ۱۸-۲۸.
- سلیمی، سیدحسین و همکاران، ۱۳۸۸، «ارتباط باورهای غیرمنطقی مادران با مشکلات رفتاری دختران دبیرستانی آنها»، *روان‌شناسی کاربردی*، سال سوم، ش ۱، ص ۴۵-۵۶.
- صدوقی، زهره و همکاران، ۱۳۸۷، «مقاله علمی کوتاه: تحلیل عاملی نسخه کوتاه پرسش‌نامه طرح‌واره یانگ در نمونه غیربالینی ایرانی»، *روان‌پژوهی و روان‌شناسی بالینی ایران*، سال چهاردهم، ش ۲، ص ۲۱۴-۲۱۹.
- صدیقی، اکرم و همکاران، ۱۳۹۲، «بررسی رابطه جهت‌گیری مذهبی با سازگاری زناشویی زوجین»، *دین و سلامت*، دوره دوم، ش ۱، ص ۴۹-۵۶.
- طباطبائی، سیدمحمدحسین، ۱۳۶۸، *آموزش دین*، قم، جهان آرا.
- طهماسبیان، کارینه و همکاران، ۱۳۹۱، «بررسی ویژگی‌های مادرانه مؤثر در مشکلات رفتاری کودکان ۲-۶ ساله»، *پژوهش‌های نوین*، سال هفتم، ش ۲۶، ص ۹۴-۱۰۹.
- فرزادفرد، سیده‌زینب و حیدرعلی هومن، ۱۳۸۷، «نقش آموزش مهارت‌های فرزندپروری بر کاهش تنیدگی مادران و مشکلات

- رفتاری کودکان»، *روان‌شناسان ایرانی*، سال چهارم، ش ۱۵، ص ۲۷۷-۲۹۲.
- قیانچی، حسن، ۱۴۲۲ق، *تشریح رساله‌ی الحقوق للإمام زین‌العابدین*، بیروت، مؤسسه‌ی الاعلمی للمطبوعات.
- کلینی، محمدبن یعقوب، ۱۴۰۷ق، *کافی*، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- مظاهری، حسین، ۱۳۸۶، *عوامل کنترل‌گر عرایز در زندگی انسان*، تهران، ذکر.
- مکوندی، بهنام و همکاران، ۱۳۷۷، «نقش پدر و مادر در آسیب‌شناسی روانی کودک و نوجوان»، *اندیشه و رفتار*، سال چهارم، ش ۱، ص ۴۶-۵۶.
- مینایی، اصغر، ۱۳۸۵، «انطباق و هنجاریابی سیاهه رفتاری کودک آفتابخ، پرسش‌نامه خودسنجی و فرم گزارش معلم»، *پژوهش در حیطه کودکان استثنایی*، سال ششم، ش ۱، ص ۵۲۹-۵۵۸.
- یانگ، جفری و همکاران، ۲۰۰۳، *طرح‌واره درمانی، راهنمای کاربردی برای متخصصان بالینی*، ترجمه‌ی حسن حمیدپور و زهرا اندوز، چ سوم، تهران، ارجمند.
- یزدخواستی، فریبا و حمیدرضا عریضی، ۱۳۹۰، «هنجاریابی سه نسخه کودک، پدر/مادر و معلم سیاهه رفتار کودک در شهر اصفهان»، *روان‌پژوهی و روان‌شناسی بالینی ایران*، سال هفدهم، ش ۱، ص ۶۰-۷۰.
- یعقوبی‌دوست، محمود و حلیمه عنایت، ۱۳۹۲، «بررسی رابطه‌ی بین میزان دینداری والدین با خشونت خانگی آنها نسبت به فرزندان»، *مطالعات جامعه‌شناختی جوانان*، سال چهارم، ش ۱، ص ۱۳۳-۱۶۰.
- Bert, S. C., 2010, The Influence of Religiosity and Spirituality on Adolescent Mothers and Their Teenage Children, *Journal Of Youth And Adolescence*, v. 40(1), p. 72-84.
- Copeland, W. E, ET AL, 2009, Childhood and adolescent psychiatric disorders as predictors of young adult disorders, *Archives Of General Psychiatry*, v. 66(7), p. 764-772.
- Donovan, J. E, & Jessor, R, 1985, Structure of problem behavior in adolescence and young adulthood, *Journal Of Consulting And Clinical Psychology*, v. 53(6), p. 890-904.
- Freeman, A, & Freeman, S, 2005, *Understanding Schemas*, In Encyclopedia of Cognitive Behavior Therapy A. Freeman, S. H. Felgoise, C. M. Nezu, A. M. Nezu, & M. A. Reinecke (Eds.), (pp. 421-426). Springer US.
- Jagt-Jelsma, W, et al, 2011, The relationship between parental religiosity and mental health of pre-adolescents in a community sample: the TRAILS study, *European Child & Adolescent Psychiatry*, v. 20(5), p. 253-260.
- Kieling, C, et al, 2011, Child and adolescent mental health worldwide: evidence for action, *Lancet (London, England)*, v. 378(9801), p. 1515-1525.
- Kim, J, et al, 2009, Parents' and Children's Religiosity and Child Behavioral Adjustment among Maltreated and Nonmaltreated Children, *Journal Of Child And Family Studies*, v. 18(5), p. 594-605.
- Knox, M, et al, 2011, Parental Hostility and Depression as Predictors of Young Children's Aggression and Conduct Problems, *Journal Of Aggression, Maltreatment & Trauma*, v. 20(7), p. 800-811.
- Levesque, R. J. R. (Ed), 2011, *Encyclopedia of Adolescence*, New York, NY: Springer New York.
- Mantymaa, et al, 2012, Predicting Internalizing and Externalizing Problems at Five Years by Child and Parental Factors in Infancy and Toddlerhood, *Child Psychiatry & Human Development*, v. 43(2), p. 153-170.
- Marks, L, 2006, Religion and Family Relational Health: An Overview and Conceptual Model, *Journal Of Religion And Health*, v. 45(4), p. 603-618.
- Mash, E. J, & Johnston, C, 1996, Family Relational Problems Their Place in the Study of Psychopathology, *Journal Of Emotional And Behavioral Disorders*, v. 4(4), p. 240-254.
- Remschmidt, H, & Belfer, M, 2005, Mental health care for children and adolescents worldwide:

- a review, *World Psychiatry*, v. 4(3), p. 147–153.
- Schottenbauer, M. A, et al, 2007, Relationship between family religious behaviors and child well-being among third-grade children, *Mental Health, Religion & Culture*, v. 10(2), p. 191–198.
- Skalicka, V, et al, 2015, Reciprocal Relations between Student-Teacher Relationship and Children's Behavioral Problems: Moderation by Child-Care Group Size, *Child Development*, v. 86(5), p. 1557–1570.
- Stone, L, et al, 2015, Relations between Internalizing and Externalizing Problems in Early Childhood, *Child & Youth Care Forum*, 44(5), p. 635–653.
- Stormont, M, et al, 2011, Teachers' Knowledge of Evidence-Based Interventions and Available School Resources for Children with Emotional and Behavioral Problems, *Journal Of Behavioral Education*, v. 20(2), p. 138–147.
- Vermeer, Paul, 2011, The impact of parental religiosity on parenting goals and parenting style: a Dutch perspective, *Journal of Beliefs & Values*, v. 32(1), p. 69–84.
- Walsh, F, 2009, *Religion and Spirituality in Couple and Family Relations*, In: The Wiley-Blackwell Handbook of Family Psychology. J. H. Bray & rk S. ABPP (Eds.), (pp. 600–612). Blackwell Publishing Ltd.
- Wamboldt, M, et al, 2015, Parent-Child Relational Problem: Field Trial Results, Changes in DSM-5, and Proposed Changes for ICD-11, *Family Process*, v. 54(1), p. 33–47.
- Wang, Q, & Zhou, T, 2015, The Impact of Family Functioning and Mental Health Condition on the Child's Behavioral Problems, *Social Behavior And Personality: An International Journal*, v. 43(7), p. 1135.
- Yeung, et al, 2016, Parents' Religiosity, Family Socialization and the Mental Health of Children in Hong Kong: Do Raters Make a Difference? *Journal of Family Studies*, v. 22(2), p. 140–161.

عوامل شناختی انگیزش اخلاقی قرآن کریم؛ مبثنی بر منبع انگیزش «نفی ناهماهنگی شناختی»

mrk1353@gmail.com
m_kavyani@rihu.ac.ir
bosaliki@yahoo.com

کلیه محمد رضا کریمی / دکتری رشته مدرسی معارف اسلامی، گرایش اخلاق اسلامی دانشگاه باقرالعلوم*
محمد کاویانی / دانشیار گروه روان‌شناسی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه
حسن بوسلیکی / استادیار گروه تربیت اخلاقی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی
دریافت: ۱۳۹۷/۰۲/۱۴ - پذیرش: ۱۳۹۷/۰۸/۰۷

چکیده

این پژوهش به دنبال استخراج عوامل انگیزش اخلاقی در ساحت شناختی، مرتبط با منبع انگیزش درونی «نفی ناهماهنگی شناختی» از منظر قرآن کریم است. ساحت شناختی و منبع انگیزش مذکور به دلیل اهمیت بالای انگیزشی آن، در این پژوهش در اولویت قرار گرفت. شیوه این پژوهش، کیفی و از نوع تحلیل محتوای متن است. عوامل انگیزش اخلاقی، وسیله و مسبب عمل است. این عوامل برای به حرکت درآوردن انسان، با گرایش‌های درونی انسان (منابع انگیزش اخلاقی) ارتباط برقرار کرده و با تکیه بر آنها، بستر لازم برای فرایند رفتار را رقم می‌زنند. روش مطالعه و پژوهش در خصوص واژه روان‌شناختی عوامل و منابع انگیزش اخلاقی در قرآن کریم، عمدتاً بر اساس رفتارهای اخلاقی انسان در قرآن کریم بوده است. اوامر، نواهی الهی به رفتارهای اخلاقی / ضد اخلاقی در چپه ورود به بحث انگیزش اخلاقی بود و آیه مربوط از نظر ترغیب به این رفتار و یا ترک آن بررسی شد. تعقل و اندیشه‌ورزی، مواجه کردن انسان با علم و قطع خود، ایجاد هویت اخلاقی با پنج زیرعنوان خطابات قرآنی، نکوهش‌های قرآنی، مراقبت و مسئولیت انسان نسبت به خود، افزایش خودکارآمدی و حشر و بازگشت انسان به سوی خدا به عنوان منابع انگیزش اخلاقی شناختی از قرآن کریم استخراج گردید. در نهایت، فرایند نظری عوامل شناختی، در ارتباط با منبع انگیزش «نفی ناهماهنگی شناختی» در قالب یک نمودار بازنمایی شد.

کلیدواژه‌ها: عوامل انگیزش اخلاقی، انگیزش اخلاقی، روان‌شناسی اخلاق، منبع انگیزش نفی ناهماهنگی شناختی.

«انگیزش» به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مباحث علم روان‌شناسی، دارای اهمیت بسزایی است. به‌گونه‌ای که برخی روان‌شناسان معتقدند که چون انگیزش علت و چرایی رفتار را تبیین می‌کند و روان‌شناسی هم علم مطالعه رفتار است، پس تمام مطالعات این علم، باید معطوف به انگیزش شود (گورمن، ۱۳۸۷، ص ۱۴). در این میان، انگیزش اخلاقی نیز جای خود را در علم روان‌شناسی اخلاق باز کرده و مهم‌ترین مبحث این علم را تشکیل می‌دهد. انگیزش اخلاقی به دنبال چرایی و علت رفتار اخلاقی است. انسان موجودی پیچیده و دارای ابعاد شناختی، عاطفی و رفتاری است که برای انگیزه‌مندشدن و فراهم کردن بستر لازم برای بروز رفتار اخلاقی، بر اساس یک الگوی چندسطحی، با ابعاد مختلف خود پیوند برقرار می‌کند.

انگیزش اخلاقی، فرایندی درونی با عامل یا منبع بیرونی است که تحت تأثیر عوامل مختلف شناختی (ارزش‌ها و...) عاطفی (امیال، هیجانات، سائق‌ها و محرک‌ها) و رفتاری، به انسان نیرو و انرژی داده و او را به‌سوی رفتار، یا ترک رفتار اختیاری هدفمند، قابل ارزش‌گذاری، تعمیم‌پذیری و قابل توصیه رهنمون می‌سازد. «عوامل یا داعیه‌ها اشیاء یا هدف‌هایی هستند که رفتار انگیزه‌شده فرد، متوجه آنهاست. به‌عبارت دیگر، آنها را می‌توان وسیله یا مسبب عمل دانست» (لسلی مان، ۱۳۵۶، ج ۱، ص ۴۵۸). منبع نیز به‌طور کلی، به معنی خاستگاه هر فرایند یا رویداد است (صلیبی، ۱۳۸۲، ص ۳۶۹). در این مقاله، عوامل انگیزش اخلاقی ساحت شناختی استخراج شده از قرآن کریم و چگونگی ارتباط آن با منابع انگیزش (گرایش‌های درونی انسان)، در قالب ساحت‌های انسان، در قالب یک فرایند بازنمایی می‌شود.

فرایند رفتار اخلاقی انسان، مانند مراحل فلسفی هر رفتاری، شامل تصور رفتار اخلاقی، تصدیق به فایده آن رفتار، شوق انجام آن رفتار، اراده و در نهایت، صدور آن رفتار اخلاقی است. تصدیق به فایده یک رفتار اخلاقی، در بیشتر موارد، در ارتباط با منابع انگیزش (گرایش‌های درونی انسان) رخ می‌دهد. یک عامل انگیزش اخلاقی، با گرایش‌های درونی انسان ارتباط برقرار کرده و با تکیه بر آن، سازه انگیزه‌مند کردن انسان، برای بروز رفتار اخلاقی را کامل می‌کند. در واقع، انسان برای بروز یک رفتار اخلاقی، دارای یک سامانه اخلاقی است؛ همه عوامل انگیزش اخلاقی معرفی شده از سوی قرآن کریم، به‌خوبی با ساحت‌های شناختی، عاطفی و رفتاری انسان و نیز با منابع انگیزش ارتباط برقرار کرده و بدین ترتیب، الگوی انگیزش اخلاقی انسان را رقم می‌زند. عوامل انگیزش، منابع انگیزش، ساحت‌های شناختی، عاطفی و رفتاری و فرایند کنش و رفتار (تصور، تصدیق، شوق، اراده و عمل)، به‌صورت یک پازل چندبُعدی عمل کرده و در یک ارتباط دیالکتیک موجب بروز رفتار اخلاقی می‌شود. این ارتباط وثیق بیانگر تناسب ساختار تربیت اخلاقی قرآن کریم، با ساختار وجودی انسان است.

یکی از گرایش‌های درونی انسان، «نفی ناهماهنگی شناختی» است. انسان ذاتاً نسبت به رفتار متضاد با باورهای خود، حساس بوده و نسبت به آن، واکنش روانی نشان می‌دهد. انسان به دنبال رفع تعارض و تراجم شناخت‌های خود، برای انجام رفتار متناسب با آن است. خداوند متعال در قرآن کریم، با دعوت به تعقل و اندیشه‌ورزی، انسان را با این

دوگانگی و ناهماهنگی شناخت و رفتار روبرو کرده و او را دچار چالش نموده تا به دنبال این تنش شناختی، انسان از نظر معرفتی رشد کرده و به سوی رفتار اخلاقی سوق داده شود. خداوند متعال، معجزات متعددی به بنی‌اسرائیل نشان داد؛ به گونه‌ای که بهانه‌ای برای برگزیدن خدایی غیر از خدای واحد، برای آنان نبود. زمانی که آنها گوساله‌ای را به‌عنوان «الله» برگزیده و داده‌های شناختی و دیده‌های مسلم خود را نادیده گرفتند (بقره: ۵۴)، سرزنش خداوند شامل حال آنان شد. این نکوهش، ناشی از ناهماهنگی شناختی و نادیده گرفتن باورها و عمل برخلاف آن بود. برخی مردم می‌گویند: «ایمان آوردیم درحالی که ایمان نیاورده‌اند. اینان در قلب‌هایشان مرض است» (بقره: ۸-۱۰). با توجه به مغایرت و ناهماهنگی گفته این افراد (رفتار)، با آنچه در دل دارند (باور)، می‌توان فهمید که این افراد، دچار تناقض میان رفتار و باور هستند. این افراد، کسانی هستند که با خداوند و اهل ایمان نیز خدعه می‌کنند (بقره: ۹). براینده نهای تناقض میان رفتار و باور، که به نفاق منجر می‌شود، و خدعه اینان، مرض قلب است که هم زمینه‌ساز و عامل بروز رفتار ضداخلاقی و هم مانع انگیزه برای صدور رفتار اخلاقی ارزشمند قرآنی خواهد شد.

نظریه ناهماهنگی شناختی، از اثر انگیزش بر روابط بین مؤلفه‌های شناختی بحث می‌کند. منظور از «مؤلفه‌های شناختی»، اعتقادات و معرفت فرد است. به‌موجب نظر فستیگر (۱۹۵۷)، دو شناخت وقتی ناهماهنگ است که از عکس یک مؤلفه، به دیگری پی ببریم. برای مثال، یک فرد سیگاری، که با اطلاع از ضرر سیگار، همچنان به کشیدن آن ادامه می‌دهد، در ناهماهنگی شناختی به سر می‌برد. وقتی فرد با علم به نامرغوب بودن یک نوع ماشین سواری، آن را خریداری می‌کند؛ در یک وضعیت ناهماهنگی شناختی قرار دارد (خدایپناهی، ۱۳۸۵، ص ۱۸۱). فستیگر معتقد است: ناهماهنگی شناختی، حالت انگیزشی است که موجب می‌شود فرد، رفتاری برای کاهش ناهماهنگی شناختی از خود نشان دهد (همان). به عبارت دیگر، فرد برای رفع یا کاهش ناهماهنگی شناختی خود، یا باید معرفت خود را تغییر دهد و یا اینکه، رفتار خود را عوض کند. فردی که در موقعیت حقیقی انفاق، بخل می‌ورزد، برای کاهش ناهماهنگی شناختی، ممکن است به دنبال این باشد که موقعیت انفاق را برای عدم انفاق توجیه کند، یا اینکه معرفت خود را تغییر دهد و با خود بگوید: انفاق هم همیشه خوب نیست و نباید به همه انفاق کرد. این موارد، برای کاهش ناهماهنگی شناختی صورت می‌گیرد. به نظر می‌رسد، تأکید قرآن کریم بر مقارنت حداکثری زوج مفهومی ایمان و عمل صالح، برای رفع ناهماهنگی شناختی در انسان صورت گرفته است؛ چراکه ایمان بدون عمل و عمل بدون ایمان، به‌معنای ناهماهنگی و عدم سختیت باور و رفتار است. همچنین، مؤمنانی که به لوازم ایمانشان پایبند نبودند و یا ایمانشان سطحی بود، توسط خداوند متعال به ایمان حقیقی دعوت شده‌اند (نساء: ۱۳۶). از اهداف مهم آشکارسازی ناهماهنگی شناختی، ایجاد تنش شناختی، برای رشد اخلاقی و شناختی است. پیژره، تعادل جویی را محرک اصلی رشد شناختی می‌داند (فلاول، ۱۳۷۷، ص ۲۱). تعادل جویی، با ساختار هماهنگ شناخت‌ها به‌دست می‌آید. با ایجاد ناهماهنگی و تنش شناختی برای انسان، ارگانیزم، برای از میان برداشتن تنش و ایجاد تعادل شناختی، به مرحله بالاتری ارتقاء می‌یابد؛ چراکه ناسازگاری‌های یک مرحله شناختی، با ساختار شناختی مرحله بالاتر حل می‌شود.

روش پژوهش

این پژوهش، به شیوه کیفی و از نوع تحلیل محتوای متن، به بررسی عوامل انگیزش اخلاقی از منظر قرآن کریم و ارتباط آن با منابع انگیزش اخلاقی می‌پردازد. از آنجاکه بحث انگیزش اخلاقی از منظر قرآن کریم، به گونه‌ای است که پژوهشگر می‌تواند از همه آیات، برداشت انگیزشی کند، برای احتراز از نظرات شخص وابسته و ذهن وابسته، باید مسیر علمی و قابل دفاعی برای انتخاب آیات و استخراج عوامل و منابع انگیزش اخلاقی ترسیم شود. در همین راستا، اصطلاح روان‌شناختی «انگیزش اخلاقی» در قرآن کریم، با روشی ابداعی و مبتنی بر رفتارهای اخلاقی انسان، مورد بررسی قرار گرفت. اوامر یا نواهی الهی، به رفتارهای اخلاقی یا ضد اخلاقی، در چرخه ورود این پژوهش به بحث انگیزش اخلاقی بودند. در آیات مشتمل بر امر و نهی الهی به رفتار اخلاقی، عامل انگیزشی، نسبت به این رفتار اخلاقی شناسایی و ارتباط آن، با منبع انگیزش (گرایش درونی) متناسب، مورد بررسی قرار گرفت. بدین ترتیب، ابتدا «عوامل شناختی انگیزش اخلاقی» از قرآن کریم استخراج و در مرحله بعد، عواملی که مرتبط با منبع انگیزش (گرایش درونی) «نفی ناهماهنگی شناختی» بودند متمایز شد. لازم به یادآوری است که در برای شناسایی عوامل شناختی انگیزش اخلاقی، نکوش‌ها و تشویق‌های خداوند متعال نسبت به برخی رفتارهای اخلاقی نیز به اوامر و نواهی اخلاقی ملحق شدند.

یافته‌های پژوهش

این پژوهش، درصدد معرفی منابع انگیزش اخلاقی، مبتنی بر منبع انگیزش درونی «نفی ناهماهنگی شناختی»، با توجه به آیات قرآن کریم است. آنچه در ذیل می‌آید، یافته‌های این پژوهش است:

۱. تعقل و اندیشه‌ورزی

یکی از عوامل بنیادین انگیزش اخلاقی از منظر قرآن کریم، دعوت به اندیشه‌ورزی به اشکال مختلف است. چه بسا عابدانی که پس از مدتی، در چرایی رفتار عبادی‌شان تردید کردند. اغلب اندیشمندان، یک ادعای کلی را مطرح می‌کنند که «کار درست را انجام بده»؛ درحالی‌که به نظر نمی‌رسد، این ملاک کلی دارای فرایندی مبتنی بر فکر و اندیشه باشد (توما و بیبو، ۲۰۱۳، ص ۵۳)؛ درحالی‌که قرآن کریم، بر تفکر و اندیشه‌ورزی تأکید بسیار کرده است. تأکید بسیار بر تفکر و برتری آن، بر عبادت در آموزه‌های اسلامی (کلینی، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۵۴)، به همین دلیل است که با تفکر، رفتار اخلاقی انسان تثبیت شده و به دنبال ارتقاء بُعد شناختی و اصلاح نیت، بالاترین ارزشمندی اخلاقی را خواهد یافت.

در یکی از آیات قرآن کریم، خداوند متعال، صاحبان خرد را مورد خطاب قرار داده و سفارش به تقوا کرده است (بقره: ۱۹۷)؛ چراکه این صاحبان خرد هستند که با توجه به اندیشه خود و ایجاد هماهنگی میان باورها و رفتارها، خود را شایسته توصیه الهی به تقوا ساخته‌اند. در آیه‌ای دیگر، خداوند متعال بنی‌اسرائیل را مورد خطاب و نهیب قرار داده و می‌فرماید: «آیا مردم را به خیر و نیکی امر می‌کنید، درحالی‌که خودتان را فراموش می‌کنید؛ درحالی‌که شما کتاب تلاوت می‌کنید؛ آیا نمی‌اندیشید؟» (بقره: ۴۴). توصیه نیکی به مردم و فراموشی خود، ذیل

اخلاق اجتماعی است و خداوند متعال با دعوت به تفکر، درصدد احیای نوعی انگیزش درونی برای انسان، برای ترک این رفتار ضداخلاقی است. دعوت به تفکر و اندیشه، برای ارتقاء شناختی انسان صورت می‌گیرد. جمله نهایی آیه و استفهام «آیا نمی‌اندیشید؟»، ناظر به کسانی است که اهل تلاوت کتاب است؛ اما به باورهای خود بر اساس کتاب الهی عمل نمی‌کند و به نوعی، ناهماهنگی شناختی مبتلاست. خداوند متعال، می‌خواهد با جمله «أفلا تعقلون»، انسان را به تعقل در کتاب الهی ترغیب کند. چنین فردی، اگر با تعقل و اندیشه در کتاب الهی، ارتقاء شناختی پیدا کند، امید است که بر این ناهماهنگی شناختی غلبه کرده و بتواند با نیروی تشخیص خطای اخلاقی، به یک عامل اخلاقی تبدیل شده و رفتار اخلاقی خود را بر اساس علم انجام دهد. در این صورت، او همراه با توصیه دیگران به نیکی، خود را فراموش نخواهد کرد.

اصولاً با تعقل و اندیشه، قرار است انسان از وادی جهل، به عرصه علم وارد شده و گام در محدوده‌ای بگذارد که شک و تردید در آن راه ندارد. در این مسیر، درک اخلاقی انسان ارتقاء یافته و علم و قطع انسان برای بروز رفتار اخلاقی و ترک رفتار غیراخلاقی نیز افزایش می‌یابد. البته، رابطه بین درک اخلاقی و انگیزش اخلاقی در طول سلسله مراحل ثابت نبوده، بلکه با رشد و تحول قوی‌تر می‌شود (توما و بیسو، ۲۰۱۳، ص ۴۹). انسان متعقل، انگیزه بیشتری برای بروز رفتار اخلاقی خواهد داشت. تعقل، راهی برای خوب شناختن است و خوب شناختن، مقدمه خوب عمل کردن؛ شناخت خوب نوعی تجویز را نیز به همراه دارد و می‌تواند یکی از برجسته‌ترین جنبه‌های انگیزش اخلاقی باشد (همان). تعقل و اندیشه‌ورزی در فرایند عمل، تصور و تصدیق به خیر و فایده را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد.

۲. مواجه کردن انسان با علم و قطع خود

خداوند متعال، علاوه بر دعوت به اندیشه‌ورزی، انسان را از انجام برخی رفتارهایی که با باورهای او مغایرت دارد، نهی کرده است. در آمیختن حق و باطل، همراه با علم (بقره: ۴۲؛ آل عمران: ۷۱)، همتا قرار دادن برای خداوند (بقره: ۲۲)، اکل مال به باطل و فرستادن مال نامشروع به قاضیان، برای خوردن بخشی از مال مردم (بقره: ۱۸۸)، خیانت به خدا و رسول و خیانت در امانت (انفال: ۲۷) و بحث و جدال در مورد چیزی که به آن علم ندارید (آل عمران: ۶۶)؛ نمونه‌هایی از این رفتارهای ضداخلاقی است. برای نمونه، در آمیختن عمدی حق و باطل، رفتار ضداخلاقی است که گاهی، انسان برای اثبات مدعا و رفتار نادرست خود به آن، متوسل می‌شود. چنین فردی که دست به در آمیختن حق و باطل می‌زند، از اثبات مدعای خود از مسیر حق و از روی علم و تعقل ناتوان است. بنابراین، دست به مطالب باطل زده و از این مطالب، برای اثبات مدعای خود استفاده می‌کند. مسیر صحیح این است که انسان همواره بر اساس علم، قطع و یقین عمل کند، اما گاهی اوقات، منافع ظاهری انسان، او را به سمتی می‌برد که با علم به نادرست بودن یک فعل (مانند در آمیختن حق و باطل)، آن را انجام می‌دهد. در آیات مزبور، خداوند متعال پس از نهی از در آمیختن حق و باطل و کتمان حق، با آوردن «واو» حالیه، انسان را با علم و قطع خود روبرو کرده و از او می‌خواهد با وجود علم و قطع به چیزی، آن را با باطل نیامیزد و حق را کتمان نکند. خداوند با این هشدار، درصدد

است تا ناهماهنگی شناختی درونی انسان را برجسته نموده، تا مسیر انسان به سمت وسوی سازگاری این ناهماهنگی هموار گردد. خداوند متعال، درصدد است تا به انسان‌ها تذکر بدهد که این فعل شما، از سر اشتباه و جهل نیست، بلکه شما از سر ضعف اخلاقی و از روی علم و دانسته، این کار را انجام می‌دهید. خداوند متعال با این کار، راه توجیه را بر افرادی که به دنبال موجه کردن رفتار خود هستند، بسته و با آنان اتمام حجت می‌کند. علاوه بر اتمام حجت، خداوند متعال قصد دارد تا مسیر خودفریبی انسان را برای او روشن کند. نقض خودفریبی یا آگاهانه کردن خودفریبی، هم از کارکردهای مواجه کردن انسان با علم خود است.

مواجه کردن انسان با علم و قطع خود، در فرایند عمل و در ساحت شناختی، بخش تصدیق به فایده را مورد تأثیر قرار خواهد داد. انسانی که برای انگیزه‌مند شدن به سوی رفتار اخلاقی، باید با علم و قطع خود مواجه شود، در تصور خود مشکلی ندارد؛ او پس از عبور از مرحله تصور، نمی‌تواند در مرحله تصدیق به خیر و فایده به نتیجه برسد.

۳. ایجاد هویت اخلاقی

از دیگر شیوه‌های قرآن کریم، برای انگیزش اخلاقی، ایجاد هویت اخلاقی در افراد است. از رویکردهای نسبتاً متأخر، که می‌توان آن را در دسته رویکردهای شناختی در نظر گرفت، رویکرد «هویت اخلاقی» است. کسانی همچون هارت، دامون، بلازی و نیسان تلاش کرده‌اند، نشان می‌دهند که خودانگاره اخلاقی افراد در تصمیم‌گیری‌ها و انگیزش اخلاقی آنها نقش محوری دارد و اساساً هدف رشد اخلاقی، شکل‌گیری هویت اخلاقی است (رک: لاپسلی و ناروازه، رشد اخلاقی، خود و هویت). هاگان بیان می‌دارد: یک مرحله اساسی که میان دوره‌های نوجوانی و بزرگسالی پل می‌زند، مرحله رشد احساس هویت است؛ احساسی که به فرد می‌گوید کیست و در قبال جامعه بزرگسالان، چه جایگاهی دارد. /ریکسون معتقد است: «مشکل هویت نوعاً زمانی برطرف می‌شود که جوان، یک ایدئولوژی - نگرش سیاسی، مذهبی، یا تاریخی - را بپذیرد. این ایدئولوژی، تعریفی از شخص اخلاقی به دست داده و شخص را به یک هویت اخلاقی تجهیز می‌نماید» (هوگان و املر، ۱۹۹۵، ص ۲۱۵).

خداوند متعال برای ایجاد هویت اخلاقی، از تکنیک‌های متنوعی استفاده کرده است:

۳-۱. خطابات قرآنی

یکی از تکنیک‌های ایجاد هویت اخلاقی، خطابات قرآنی نسبت به اهل ایمان است. خداوند متعال، با خطابات مناسب اهل ایمان، به جهت‌دهی خودانگاره انسان مؤمن و شکل‌گیری هویت اخلاقی وی کمک می‌کند. خودپنداره شامل همه جنبه‌های هستی و تجربیاتی می‌شود که فرد در آگاهی درک می‌کند (فیست و همکاران، ۱۳۹۵، ص ۴۲۴). تصویر اخلاقی شخص از خود، محرک بسیار مهم برای انجام رفتار اخلاقی است؛ چراکه انسان‌ها تمایل اولیه به مطابقت رفتار با خودانگاره دارند. از این رو، ایجاد یک خودانگاره اخلاقی، به شکل‌گیری هویت اخلاقی و آن نیز منجر به انگیزش اخلاقی درونی می‌شود (بوسلیکی، ۱۳۹۷، ص ۷۱). به موازات جهت‌دهی خودانگاره مؤمنان، خداوند متعال در

موارد متعددی، انسان را به باد تازیانه انتقاد گرفته و او را با صفاتی همچون ظلوم و جهول (احزاب: ۷۲)، بسیار جدال کننده (کهف: ۵۴)، کفران کننده نعمت‌ها (عبس: ۱۷)، عجول (اسراء: ۱۱) و حریص (معارج: ۱۹) یاد می‌کند. به نظر می‌رسد، ظاهر این خطاب‌های منفی قرآنی، با ایجاد هویت اخلاقی مناسب برای انسان، سازگاری نداشته باشد. اما خداوند متعال در قرآن کریم، درصد ارائه خودنگاره واقعی به انسان است. انسان دارای خودِ آرمانی است. خودِ آرمانی، نظر فرد در مورد خود، به گونه‌ای است که دوست دارد و شامل همهٔ نگرش‌هایی است که معمولاً مثبت هستند و افراد آنها را آرزو دارند. شکاف عمیق میان خودِ آرمانی و خودپنداره، بیانگر ناهمخوانی و شخصیت ناسالم است (فیست و همکاران، ۱۳۹۵، ص ۴۲۴). خودِ آرمانی یا ایدئال، خودپنداره‌ای است که انسان دوست دارد از خود داشته باشد. خود ایدئال، شامل تمام ادراکات و معانی‌ای می‌شود که فرد برای آنها ارزش زیادی قائل است و بالقوه با خویشتن او هماهنگ و مرتبط است. اگر چه خویشتن دائماً تغییر می‌کند، اما همیشه در هر فرد، نوعی سازمان، هماهنگی، ثبات، تجانس و شکل‌یافتگی خاص خود را دارد. خودپنداره شخص، جریانی آگاهانه، مداوم و نسبتاً ثابت است (شاملو، ۱۳۹۰، ص ۱۴۳). خودِ آرمانی معمولاً با خودپنداره فاصله داشته و اعتماد بر آن آسیب‌زا است. قرآن کریم با ارائه خودنگاره واقعی، درصد رفع ناهماهنگی شناختی ناشی از خودنگاره آرمانی انسان است.

در قرآن کریم، به اوصاف والای مؤمنان اشاره شده است و تصویری اخلاقی از آنها ترسیم می‌شود. این اوصاف، وقتی در کنار خطابات مکرر «یا ایها الذین آمنوا» قرار می‌گیرد، بیانگر این هستند که خداوند متعال، می‌خواهد آن تصویر اخلاقی را به عنوان خودپنداره به مسلمانان القا کند. این خطابات، ابتدا به مؤمنان، در مورد وضعیت خودشان، آگاهی می‌دهد. بدون آگاهی، خودپنداره و خودِ آرمانی وجود نخواهند داشت (فیست و همکاران، ۱۳۹۵، ص ۴۲۴). پس از این آگاهی، روند ایجاد هویت اخلاقی آغاز خواهد شد. نشان دادن ایمان در انسان، می‌تواند در او امیدواری ایجاد کند (علی‌زاده، ۱۳۸۲، ص ۷۰). این جریان در روایات - به خصوص در توصیف اهل بیت علیهم‌السلام از شیعیان - نیز وجود دارد. تصویری که اهل بیت علیهم‌السلام از شیعیان ترسیم می‌کنند، بسیار اخلاقی است. در واقع افزودن عزت و کرامت نفس به خودپنداره، عاملی برای رشد و سپس، انگیزش اخلاقی است. در این چارچوب، ارتکاب رذایل اخلاقی، نوعی پستی تلقی می‌شود. البته در این چارچوب، کسب و حفظ حیثیت اجتماعی در راستای جلب توجه مثبت دیگران عامل انگیزش است. انسان دارای نوعی ویژگی روان‌شناختی است که اگر دیگران مهم (از والدین، اجتماع و دوستان و همسالان گرفته تا خداوند متعال)، او را مورد ارج و احترام قرار دهند، او نیز به سوی رفتارهای اخلاقی بیشتر انگیزه‌مند خواهد شد. البته، از مدح بی‌مورد و بی‌جا باید پرهیز شود؛ همان گونه که خداوند متعال، در کنار خطابات مدح‌گونه از اهل ایمان، انسان را نیز به صورت واقع‌نمایی، توصیف کرده و مذمت بسیار نموده است. صفاتی مانند ظلوم و جهول، بسیار جدال کننده، کفران کننده نعمت‌ها، عجول و حریص، از این نمونه است. در روایات نیز نقاط ضعف انسان به صورت واقع‌نمایی معرفی شده است. رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم از مدح نهی می‌کرد و فرمود: «به صورت کسی که مدح می‌کند، خاک بپاشید» (مجلسی، ۱۱۱ق، ج ۷۰، ص ۲۹۴). برخورد منفی با مدح افراد، به دلیل افراطی بوده که در این ستایش‌ها

پیش می‌آمده و به دروغ می‌افتاده؛ چه بسا صاحب مدح نیز آن را باور می‌کرده است (همان، ص ۲۹۵). در روایت دیگری، توصیه شده که مدح و ستایش افراد را قبول نکرده و او را تکذیب کنید؛ چراکه او با این کار به شما ظلم کرده است (قمی، ۱۳۶۷، ج ۱، ص ۱۵۷). برخورد امیرالمؤمنین^ع نیز با مردم شهر انبار، که به استقبال او آمده بودند و پای پیاده به دنبال مرکب حضرت حرکت می‌کردند، گویای همین مطلب است (نهج البلاغه، ج ۳۷).

به هر حال، تصویری که قرآن کریم از انسان تصویر می‌کند، بیشتر جنبه منفی دارد. خداوند، مطلق انسان را با صفاتی مانند ظلم و جهول، بسیار جدال‌کننده، کفران‌کننده نعمت‌ها، عجول و حریص یاد می‌کند. با توجه به غرایز و نیازهای پایه‌ای انسان، می‌توان گفت: ظرفیت‌های منفی انسان بالفعل است، اما ظرفیت‌های مثبت را انسان باید فعال کند. در روایتی از امام علی^ع آمده است که خودت را به فضایل وادار و ملزم کن؛ به درستی که ردایل در طبیعت تو نهاده شده است (لیثی واسطی، ۱۳۷۶، ص ۸۶؛ تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص ۱۴۹). علامه طباطبائی نیز عدالت اجتماعی را از اقتضائات اولیه طبع انسان به‌شمار می‌آورد و معتقد است: اگر عدالت اجتماعی از اقتضائات اولیه طبع انسان نباشد، باید عدالت و حسن تشریک مساعی و مراعات برابری بر همه شئون اجتماعات حاکم می‌بود، درحالی‌که آنچه مشاهده می‌کنیم، دائماً خلاف آن است و اعمال قدرت و غلبه تحمیل خواسته‌های قوی بر ضعیف و غالب مغلوب را به بردگی می‌کشد، تا مقاصد و خواسته‌های شخصی‌اش برسد (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۱۱۷-۱۱۸).

یکی از خطابات قرآنی مهم، «صادق خطاب کردن برخی بندگان» است. خداوند متعال، بعد از بیان رفتارهای اخلاقی فراوانی، از جمله ایمان به خدا و روز قیامت و ملائکه و کتاب و پیامبران، دادن مال با وجود علاقه به آن، به خویشاوندان و یتیمان و مساکین و...، اقامه نماز، دادن زکات، وفای به عهد و صبر در هنگام وسعت و تنگی، عاملان این رفتارهای اخلاقی را مورد اشاره قرار داده و می‌فرماید: «آنان کسانی هستند که صدق ورزیدند و آنان پرهیزکارانند» (بقره: ۱۷۷). به نظر می‌رسد، خداوند متعال با بیان صادق بودن این افراد، علاوه بر اهداف دیگر، با توجه به گرایش به خیر و فضیلت درونی انسان، درصدد اعطای هویت اخلاقی و انگیزه‌بخشی به این افراد، از این طریق برای ادامه و تکرار رفتارهای اخلاقی ذکر شده است. به نظر می‌رسد، صدق، نتیجه و برآیند رفتارهای اخلاقی ذکر شده در آیه است؛ چراکه صادقان هستند که به وعده خودشان عمل کرده و مطابق دستورات الهی عمل نموده و قدمی خارج از حدود الهی برنمی‌دارند. اینان، میان باور و رفتارشان دوگانگی وجود ندارد و این یگانگی، همان صدق و راستی است که از آن تعبیر به «وفا» شده است. صادق خطاب کردن خداوند، انسان را دارای عزت‌نفس و کرامت نفس می‌کند. چنین انسانی، دیگر به خود اجازه نمی‌دهد پای در وادی غیر از وادی صدق بنهد. به نظر می‌رسد، جایگاه صادقان جایگاه کسانی است که به ثبات رسیده‌اند؛ چراکه خداوند می‌فرماید:

بعضی از مؤمنان کسانی هستند که به عهد الهی صادق بودند و برخی از آنان (عهد خود را تا به شهادت رسیدن) به انجام رساندند و برخی (شهادت را)، انتظار می‌برند و به هیچ‌وجه (عهدشان را) تغییر ندادند، برای اینکه خداوند صادقان (وفاکنندگان به عهد) را به خاطر صدقشان (وفایشان) پاداش دهد (احزاب: ۲۳-۲۴).

عدم تغییر در عهد و ثابت قدم بودن بر آن، تا شهادت، نشانه تثبیت ایمان و جاری شدن آن در ساختار وجودی آنان است. طبق آیات قرآن، کسی که از خدا و رسولش اطاعت کند، هم‌نشین پیامبران و صدیقان و شهدا و صالحان خواهد بود (نساء: ۶۹). خداوند متعال در آیه‌ای، علت میثاق خود از پیامبران را محک زدن صدق آنان بیان نموده، تا برای کافران حجت باشد (احزاب: ۷-۸). بنابراین در این آیه، صدق از ویژگی‌های پیامبران عنوان شده و در آیه قبل، صدیقان هم‌ردیف پیامبران بیان شده‌اند. این آیات، بیانگر این است که جایگاه صدیقان مرتبه‌ای والا است که اگر کسی به این مرتبه برسد، رستگار خواهد شد. خداوند متعال در توصیف روز قیامت می‌فرماید: «این روزی است که صدق صادقان سودشان دهد» (مائده: ۱۱۹). این امر، بیانگر رستگار شدن این افراد است. انسان مؤمن، برای اینکه به این رستگاری برسد و در زمره صدیقان قرار گیرد، انگیزه‌مند می‌شود تا رفتارهای اخلاقی ذکر شده در آیه اصلی را در خود متجلی کند. انسان مؤمن نیز با توجه به منبع میل و گرایش به خیر و فضیلت، که نوعی کمال است، با عمل انگیزش اخلاقی «صادق خطاب کردن خداوند»، در او ایجاد انگیزه کرده است.

در جمع‌بندی این بخش، می‌توان گفت: خداوند متعال از یک‌سو، با بیان خطابات مثبت برای اهل اسلام و اهل ایمان، احساس عزت و کرامت نفس به آنان بخشیده، تا آنها را به سوی رفتار اخلاقی و اهل اسلام و ایمان شدن، انگیزه بیشتری بدهد. از سوی دیگر، انسان را با واقعیت‌های روان‌شناختی خود مواجه کرده، تا بیراهه نرود و حس عزت و کرامت نفس کاذب پیدا نکند.

۲-۳. نکوهش‌های قرآنی

یکی دیگر از عوامل تأثیرگذار در انگیزش اخلاقی، نکوهش‌های خداوند متعال است. بسیاری از آیات قرآن، به‌گونه‌ای است که خطاب مستقیم آیه به عهدشکنان، کفار، منافقان و سایر افرادی است که رفتار ناهنجار اخلاقی دارند. انسان مؤمن، بر اساس تربیت قرآنی، خود را از این عیوب و از این خطاب‌ها بری نمی‌داند (یوسف: ۵۳). به‌طور طبیعی، با مفهوم مخالف این خطاب‌ها ارتباط برقرار کرده و آن را با خود همانندسازی می‌کند، تا به عاقبت این خطاب‌ها دچار نشود. یکی از آثار این همانندسازی، رسیدن انسان به مفهوم «خوف و رجا» است؛ انسان مؤمن باید همواره در بین خوف از عقاب و هلاکت و رجا و امید به رحمت و مغفرت و هدایت الهی باشد. از آثار این توازن بین خوف و رجا، میرا ندانستن نفس از افتادن در ورطه گناه و رفتار غیراخلاقی است.

خداوند متعال، در آیه‌ای از قرآن کریم، فاسقان را کسانی می‌داند که عهد الهی را پیوسته نقض کرده و آنچه را خداوند به پیوند با آن فرمان داده، قطع کرده و پیوسته در زمین فساد و تبهکاری می‌کنند. خداوند متعال، این افراد را به شدت نکوهش کرده و آنان را از تبه‌کنندگان سرمایه وجودی خویش و از خسران‌کنندگان می‌داند (بقره: ۲۶-۲۷). انسان مؤمن، با شنیدن این آیه نمی‌تواند خود را مخاطب آیه شریفه نداند. سخن انگیزه‌بخشی این آیات، از نوع اجتنابی است. وقتی انسان با این آیه برخورد می‌کند، با خود می‌گوید: «من نباید عهد الهی را بشکنم و جزو فاسقان و خسران‌کنندگان باشم. این نکوهش الهی، در انگیزش اجتنابی انسان برای دور ماندن از خطاهای اخلاقی فاسقان

تأثیر می‌گذارد. همچنین، انسان مؤمن با مشاهده آیاتی که وعده خلود در آتش دوزخ را به کافران و تکذیب‌کنندگان آیات الهی داده» (بقره: ۳۹)؛ به خویشتن رجوع کرده و در پی تحقق مفهوم مخالف این آیه است. او می‌خواهد جزو کافران و تکذیب‌کنندگان آیات الهی نباشد، تا خلود آتش شامل حال او نشود. این توجه، به مفهوم مخالف، عاملی برای انگیزه‌مند شدن او برای خودداری از تکذیب آیات الهی و سایر رفتارهای ضداخلاقی است. خداوند متعال، در آیه‌ای دیگر در بیان قساوت برخی افراد می‌فرماید: اینان از سنگ هم سخت‌تر هستند. در ادامه، خداوند متعال که گویا می‌خواهد استدراک کند، می‌فرماید: «بعضی از سنگ‌ها از درون آنها نهر می‌جوشد، بعضی از سنگ‌ها از درون آنها چشمه می‌جوشد و بعضی از سنگ‌ها از خشیت الهی سقوط می‌کنند...» (بقره: ۷۴). گویا خداوند می‌خواهد بفرماید: شما از سنگ هم کمتر هستید! به این طریق، به اینان و بعضی انسان‌های دیگر انگیزه می‌دهد. انسان مؤمن تنبیه و نکوهش این افراد را برای خود همانندسازی نموده و از آن دوری می‌گزیند.

تقویت مستقیم، تقویت جانشینی و خودنظم‌دهی، سه منبع انگیزشی هستند که بنمور/ برای رفتار بیان می‌کند. وقتی الگوی مشاهده شده برای انجام کاری تقویت می‌شود، مثلاً مورد تشویق قرار می‌گیرد، احتمال تکرار همان رفتار، توسط مشاهده‌کننده افزایش یافته و تقویت جانشینی اتفاق افتاده است.

وقتی ببینیم رفتار الگو به پاداش می‌انجامد یا به تنبیه عامل آن منتهی می‌شود، این انتظار در ما به وجود می‌آید که عملکرد ما در همان مورد به پیامدهای مشابهی منجر می‌شود. در مدتی که الگو مشاهده می‌شود تقویت به صورت جانشینی تجربه می‌شود و تجربه مستقیم آن لازم نیست. برای درونی‌سازی هنجارهای اخلاقی، نه تنها تقویت یا تنبیه ضرورت ندارد، بلکه تجربه مستقیم آنها نیز برای آن لازم نیست و تقویت و تنبیه جانشینی برای این منظور کفایت می‌کند (کریم‌زاده، ۱۳۸۹).

در مواردی که قرار است رفتاری ترک و یا انجام نشود، تقویت جانشینی تبدیل به مفهوم تنبیه جانشینی خواهد شد؛ بدین معنا که وقتی رفتار یا صفتی در قرآن کریم مورد نکوهش قرار گرفته و تنبیهی هم برای آن در نظر گرفته شده، موجب می‌شود تا عملکرد انسان در آن مورد، به تضعیف آن رفتار یا صفت منجر شود؛ چراکه او خود را جانشین آن تنبیه در نظر گرفته و برای رهایی از آن، ترک آن فعل نموده است. خداوند متعال، انسان را با صفاتی همچون ظلوم و جهول، بسیار جدال‌کننده، کفران‌کننده نعمت‌ها، عجول، حریص و... یاد می‌کند. این صفات، ظاهر منفی و ادبیات نکوهشی دارند. انسان مؤمن، این را می‌فهمد و سعی می‌کند تا خود را از این صفات دور نگاه دارد. بیان نکوهشی این صفات، انسان را در موضعی قرار می‌دهد که برای دوری از پیامدهای این صفات، تنبیه مورد نظر را برای خود «درون‌کنی» کرده و آن را برای خود در نظر گرفته و برای رهایی از آن مسیر عدم ارتکاب را انتخاب کند.

۳-۳. مراقبت و مسئولیت انسان نسبت به خود

یکی از عوامل انگیزش اخلاقی، که در آموزه‌های قرآن کریم مطرح شده، «مراقبت و مسئولیت انسان نسبت به خود» است. خداوند متعال، بعد از خطاب قراردادن اهل ایمان، آنها را به مراقبت از خود امر کند (مائده: ۱۰۵). مراقبت از خود، به این معنا است که انسان، خود مسئول هدایت فکری، رفتارها، عقاید، اهداف و سایر برنامه‌های خودش است

(فضل الله، ۱۴۱۹ق، ج ۸، ص ۳۷۰). خداوند متعال، در کنار اوامر و توصیه به رفتارهای اخلاقی، بهترین عامل انگیزه بخش برای انجام یا ترک آن رفتار را نیز مطرح می کند تا مسیر انجام یا کناره گیری از آن رفتار را نیز به انسان بیاموزد. در این آیه، خداوند متعال انسان را با عبارت «علیکم انفسکم»، به مراقبت از خود دعوت می کند. واژه «انفسکم» را خداوند متعال با عنایت به بحث مسئولیت انسان نسبت به خود، مطرح فرموده است. عبارت «ظلمتم انفسکم» (بقره: ۵۴)، که خداوند آن را پس از برگزیدن گوساله، به عنوان خدا توسط قوم بنی اسرائیل به آنان می فرماید، بیانگر این است که آنان مسئول اعمال خویش هستند و به خودشان ظلم کردند (بقره: ۵۱ و ۵۴)؛ نه اینکه به خدا ظلم کرده باشند (بقره: ۵۷). ظلم به نفس، رفتار ضد اخلاقی مشترک بین حوزه اخلاق بندگی و اخلاق فردی است. عاملی که موجب بازگشت انسان از این رفتار ضد اخلاقی به حساب می آید، توجه به خود است. این توجه، انسان را به اندیشه وامی دارد که انتخاب خدایی غیر از خدای واحد، ظلم به خداوند نبوده و خداوند در اینجا متضرر نمی شود؛ بلکه این من انسان هستم که دچار ضرر و خسران خواهم شد. به نظر می رسد، ظلم به نفس در ادبیات قرآنی با مراقبت از خود ارتباط دارد. فردی که از خود مراقبت می کند، مرتکب ظلم به خود نخواهد شد. مراقبت از خود، ارتباط وثیقی با خودانگاره اخلاقی ما دارد. ما انسان ها، بر اساس تصویری که از شخصیت اخلاقی خودمان داریم، رفتارمان را تنظیم می کنیم. گویا خداوند متعال با توصیه به مراقبت از خود و هشدار در خصوص ظلم به خود، قصد دارد سطح خودانگاره اخلاقی ما انسان ها را ارتقاء دهد تا رفتار ما نیز بر اساس همین ارتقاء سطح، به سوی رفتار اخلاقی سوق پیدا کرده و هویت اخلاقی ما به صورت صحیح شکل بگیرد. برای ایجاد خودانگاره اخلاقی، در فرایند عمل و رفتار، باید بخش تصور و تصدیق به خیر و فایده مورد تأثیر قرار بگیرد، تا هویت اخلاقی به شکل کامل ایجاد شود.

۳-۴. افزایش خودکارآمدی

یکی از عوامل انگیزش اخلاقی قرآنی، افزایش خودکارآمدی است. خداوند متعال با برخی مفاهیم، درصدد اعتماد به نفس دادن به مؤمنان است تا خودکارآمدی آنان را افزایش دهد. خداوند متعال، در برخی آیات، پس از امر به عدم سستی در برابر دشمن و امر به عدم حزن، با بیان اینکه مؤمنان، مشروط به داشتن ایمان، برتر هستند (آل عمران: ۱۳۹)، به آنان اعتماد به نفس داده و آنان را برای ترک رفتار غیر اخلاقی، «سستی در برابر دشمن» و «ترک حزن» انگیزه مند می کند. در آیهای دیگر نیز پس از امر به عدم سستی در برابر دشمن و امر به عدم دعوت دشمنان به آشتی و صلح، برتری مؤمنان و همراهی خداوند با آنان را مطرح می کند (محمد: ۳۵). انسان مؤمن، با دادن وعده همراهی خداوند سرشار از اعتماد به نفس شده و از نظر شناختی، و در مرحله بعد از نظر عاطفی، برای انجام، تکرار و تثبیت رفتارهای اخلاقی مورد رضایت خداوند متعال آماده می شود. خداوند متعال، با عبارت «انتم الاعلون»، درصدد ارائه اعتماد به نفس واقعی و پاک کردن ذهنیت فردی است که تا به حال، گمان می کرد هر کسی عده و عده بیشتری داشته باشد، پیروز است و جایی برای ایمان به خدا در ذهنشان باز نکرده بود. با ارتقاء خودکارآمدی، خطای شناختی که در ذهن او بود و گمان می کرد که از عهده فلان کار بر نمی آید و موجب ناسازگاری شناختی شده بود،

برطرف شد و حقیقتاً دریافت که از عهده آن کار برمی‌آید. بنابراین، نقش خودکارآمدی در فرایند انگیزش اخلاقی انسان در بُعد شناختی و در مرحله تصور و تصدیق به خیر و فایده است.

۳-۵. حشر و بازگشت به سوی خدا

یکی از مفاهیم شناختی قرآن کریم، در راستای انگیزه‌بخشی اخلاقی به انسان، مفهوم «بازگشت و حشر انسان‌ها به سوی خداوند» است که از آن، به‌عنوان «عامل انگیزش اخلاقی» یاد شده است. بر اساس آموزه‌های قرآن کریم، رفتن به سوی خداوند متعال و ملاقات با او، امری قهری است (انشقاق: ۶) و همه مردم در روز قیامت در پیشگاه خداوند احضار خواهند شد (یس: ۳۱-۳۲). این مفهوم (بازگشت به سوی خداوند)، با عبارات متنوعی در قرآن کریم بیان شده است. خداوند متعال در دست‌های آیات، پس از توصیه انسان به تقوا، بلافاصله مفهوم «حشر به سوی خود» را مطرح نموده و از این مفهوم برای انگیزه‌بخشی به رفتار اخلاقی تقوا، که خود منشأ بسیاری از رفتارهای اخلاقی است، استفاده کرده است. همچنین، خداوند متعال پس از امر به اجابت خواسته‌های حیات‌بخش خدا و رسول نیز مفهوم «حشر به سوی خدا» را مطرح می‌کند (انفال: ۲۴). خداوند متعال، پس از بیان نکوهش افرادی که مؤمنان را پس از سفر یا شرکت در جنگ مورد شماتت قرار می‌دادند و می‌گفتند: اگر نزد ما بودید نمی‌مردید و کشته نمی‌شدید، مغفرت و رحمت خود را بعد از کشته شدن در راه خدا و مرگ، مطرح نموده و در انتها نیز حشر به سوی خود را بیان می‌دارد (آل عمران: ۱۵۶-۱۵۸). شاید مراد این باشد که انتهای انسان، چه با مرگ و چه کشته شدن در راه خدا، حشر به سوی خداوند است. خداوند در آیه‌ای بعد از بیان فعل اخلاقی تقوا، بر مفهوم «ملاقات با خداوند» تأکید کرده (نساء: ۲۳) و در ادامه، از رسول خدا ﷺ خواسته که به مؤمنان بشارت دهد که هنگام لقاء پروردگار، به پاداش اعمال نیک صالح خود خواهید رسید (امین، ۱۳۶۱، ص ۳۱۰). به نظر می‌رسد، بیان حشر و بازگشت به سوی خدا، با این هدف است که انسان، به‌عنوان یکی از سه ضلع مهم خدا، جهان و انسان، هویت اصلی خود را بازشناسد. خداوند می‌خواهد غایت قصوای انسان را به او نشان دهد و مسیر او را به گونه‌ای ترسیم کند که فراتر از محدوده دنیا را هم متصور شود و انتهای مسیر خود را بداند و بر اساس همان نیز برنامه‌ریزی کند. در مسیرهای مادی، انتخاب انتهای مسیر برای سالک و مسافر، از نیازهای مهم و اصلی است. انتخاب انتهای مسیر، به انسان آمادگی ذهنی برای پیمودن آن را می‌دهد؛ به‌گونه‌ای که تمام قوای انسان برای همان مقدار تعیین‌شده ذهنی مهیا خواهد شد. در یک مسیر معنوی نیز باید ابتدا و انتهای مسیر مشخص باشد. خداوند متعال، ابتدا و انتهای مسیر کلی انسان را «الله» معرفی نموده (بقره: ۱۵۶) و ابتدای شروع عملی این حرکت و سیر انسان را با آفریدن انسان در زمین (مؤمنون: ۷۹) قرین می‌داند. خداوند متعال، با بیان رجوع نهایی و حشر به سوی خود، درصدد ارائه این چشم‌انداز به انسان و اصلاح انگاره او در مورد جایگاه انسان در جهان هستی است. بازنمای نهایت مسیر انسان، او را متوجه عناصر مهم این مسیر نموده و تذکار و یادآوری برای سالم رسیدن و سالم رساندن اندوخته معنوی انسان، به مقصد خواهد بود. شاید بیان حشر به سوی خدا، پس از تقوا و اجابت دعوت خدا

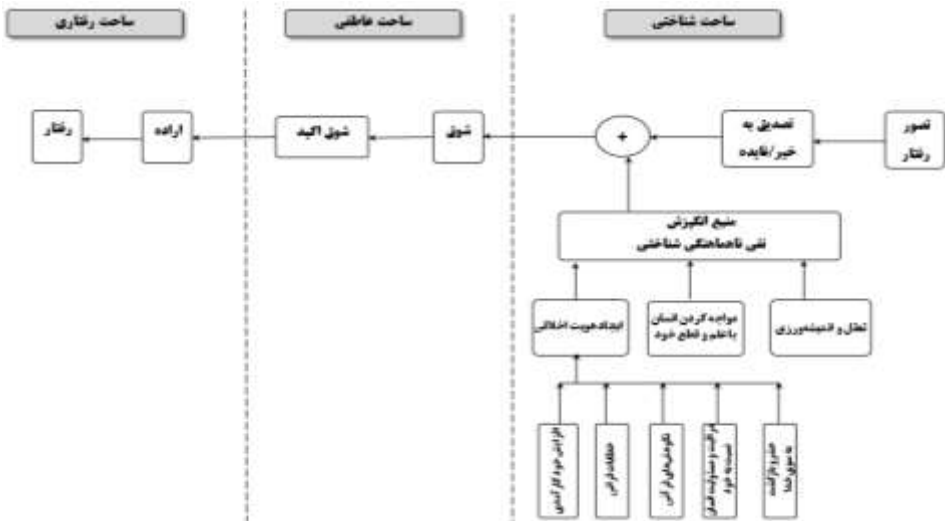
و رسول، به این دلیل باشد که این دو (تقوا و اجابت دعوت خدا و رسول)، مهم‌ترین عناصری هستند که انسان می‌تواند با آنها، مسیر خود به سوی مقصد، که همانا خداوند متعال است، را به بهترین شکل ببیند. با توجه به بافت آیاتی که مفهوم «ملاقات با خداوند» بعد از بیان اوامر الهی، به رفتارهای اخلاقی، و یا نواهی خداوند - به رفتارهای ضد اخلاقی - می‌آید، می‌توان گفت: انسان برای دفع خسارت جبران‌ناپذیر آن روز و برای اینکه در مقابل خداوند سرافکننده نباشد، درصدد ترک رفتارهای ضد اخلاقی برآمده و به سوی رفتارهای اخلاقی عزیزت کند. انسان از درون گرایش دارد تا به هنگام ملاقات با موجود برتر واجب و کامل، حتی الامکان در بهترین حالت و کامل ظاهر شود تا احساس شرمندگی نکند و از ضرر وارده جلوگیری نماید.

خداوند متعال می‌فرماید: «چگونه به خدا کافر می‌شوید درحالی که شما مرده بودید. پس خدا شما را زنده کرد، سپس شما را می‌میراند، سپس شما را زنده می‌کند، سپس به سوی او بازگشت می‌کنید» (بقره: ۲۸). انتهای آیه، برای تمام انسان‌ها عمومیت داشته و وجهی برای اختصاص به کافران ندارد؛ چراکه او خدایی است که همه انسان‌ها را از هیچ آفرید و در ادامه، هم آنان را می‌میراند و دوباره زنده می‌کند و بازگشت همه به سوی اوست. این سنخ آیات، که خطاب آیه با کافران و بدکاران است، در انسان مؤمن نقش بازدارندگی دارد؛ به این شکل که انسان مؤمن این مفهوم (بازگشت به سوی خداوند) را در خود بازتاب داده و درون‌فکنی می‌کند و برای اینکه از ضرر آن روز ایمن باشد، به سوی رفتار اخلاقی انگیزه‌مند می‌شود. هنگامی که انسان می‌داند به زودی باید به سوی خداوندی رجوع کند که به انسان مسئولیت‌ها و وظایفی را سپرده و از او توقع عمل داشته و لوازم و مقتضیات عمل به این وظایف را نیز به او عطا کرده، احساس عمیق دل‌کندن از دنیا پیدا کرده و نگاه خود را متوجه آن روز واپسین خواهد نمود. خداوند متعال در این مورد، می‌خواهد انگاره انسان در مورد دنیا را تغییر دهد. این دنیا، مسیر و محل گذر است. خداوند، نهایت مسیر انسان را برجسته می‌کند تا از دنیا دل‌کنده شود. حشر و بازگشت به سوی خدا، عاملی برای کنترل حب دنیا است.

نتیجه‌گیری

هدف این پژوهش، استخراج عوامل شناختی انگیزش اخلاقی قرآن کریم، مبتنی بر منبع انگیزش «نفی ناهماهنگی شناختی» درونی انسان‌ها است. پیش‌فرض این مقاله، این است که هر عامل انگیزش اخلاقی (شناختی، عاطفی یا رفتاری)، باید با منبع انگیزش اخلاقی متناسب خود (گرایش‌های درونی انسان که از سوی خداوند در انسان به ودیعه نهاده شده) ارتباط برقرار کند تا بتواند مقدمات ترغیب انسان برای صدور فعل اخلاقی را فراهم کند. ارتباط وثیق عوامل انگیزش اخلاقی قرآن کریم، با منابع انگیزش و همچنین، ارتباط این دو با زنجیره عمل انسان، سامانه‌ای را به دست می‌دهد که همه ابعاد شناختی، عاطفی و رفتاری آن قابل تأمل است. تمام این سامانه، در راستای بروز رفتار اخلاقی انسان بوده و با توجه به معرفی آن از سوی خالق انسان، باید بهترین الگو باشد. با توجه به نکات فوق و هدف این پژوهش، سه عامل «تعقل و اندیشه‌ورزی»، «مواجه کردن انسان با علم و

قطع خود» و «ایجاد هویت اخلاقی» استخراج شد. ذیل عامل ایجاد هویت اخلاقی، پنج زیر عنوان «خطابات قرآنی»، «تکوهش‌های قرآنی»، «مراقبت و مسئولیت انسان نسبت به خود»، «افزایش خودکارآمدی» و «حشر و بازگشت انسان به سوی خدا»، به‌عنوان عوامل هویت‌ساز شناختی انسان قرار دارد. برای نمونه، انسانی فعل دروغ‌گفتن را تصور کرده و در مرحله بعد، فایده این دروغ‌گفتن را نیز در نظر می‌گیرد. دروغ‌گفتن، به علت نوعی تضاد میان واقعیت و آنچه شخص دروغگو می‌کند، نوعی ناهماهنگی شناختی در انسان به وجود می‌آورد. خداوند متعال، با سفارش به اندیشه‌ورزی، به‌عنوان عامل انگیزش اخلاقی، انسان را با منبع انگیزش مربوط به آن مرتبط می‌کند. در وجود انسان، میل به هماهنگی میان باور و رفتار وجود دارد و در صورتی که تناسب باور و رفتار از میان برود، تعادل انسان نیز بر هم می‌ریزد. بر پایه همین برهم‌ریختگی تعادل، انسان نیز متمایل به برقراری تعادل است. میان منبع و عامل انگیزش، رابطه دیالکتیک و دوطرفه برقرار است و صرفاً رابطه از عامل به منبع تعریف نمی‌شود. سایر عوامل انگیزش نیز در ارتباط با منبع انگیزش، «نفی ناهماهنگی شناختی» به همین شکل، سعی در برقراری هماهنگی شناختی میان باور و رفتار دارند.



فرایند عوامل شناختی انگیزش اخلاقی ذیل منبع نفی ناهماهنگی شناختی

منابع

- نهج البلاغه، ۱۴۲۲ق، قم، مؤسسه النشر الاسلامی.
- امین، سیده نصرت، ۱۳۶۱، *مخزن العرفان در تفسیر قرآن*، تهران، نشر نهضت زنان مسلمان.
- بوسلیکی، حسن، ۱۳۹۷، *مدلی برای عوامل و سازوکارهای تأثیر خانواده و رسانه در رشد اخلاقی با تأکید بر آموزه‌های قرآن و سنت در تفسیر المیزان و بحار الأنوار*، پایان نامه دکتری رشته مدرسی معارف اسلامی گرایش اخلاق اسلامی، قم، دانشگاه معارف تمیمی آمدی، عبدالواحد، ۱۳۶۶، *غررالحکم و دررالکلم*، قم، دفتر تبلیغات.
- خدایپناهی، محمد کریم، ۱۳۸۵، *انگیزش و هیجان*، تهران، سمت.
- شاملو، سعید، ۱۳۹۰، *مکتب‌ها و نظریه‌ها در روان‌شناسی شخصیت*، تهران، رشد.
- صلیبی، ژانست، ۱۳۸۲، *فرهنگ توصیفی روان‌شناسی اجتماعی*، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- طباطبائی، سید محمد حسین، ۱۴۱۷ق، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم، جامعه مدرسین.
- علی‌زاده، حمید، ۱۳۸۲، *الفرد آدلر (گستره نظریه شخصیت و روان‌درمانی)*، ویراستار ع. ح. سازمند، تهران، نشر دانژه.
- فضل‌الله، سید محمد حسین، ۱۴۱۹ق، *تفسیر من وحی القرآن*، بیروت، دارالملک للطباعة و النشر.
- فلاول، جان اچ، ۱۳۷۷، *رشد شناختی*، ترجمه فرهاد ماهر، تهران، رشد.
- فیست، جس و همکاران، ۱۳۹۵، *نظریه‌های شخصیت*، ترجمه یحیی سید محمدی، تهران، نشر روان.
- قمی، علی بن ابراهیم، ۱۳۶۷، *تفسیر قمی*، قم، دارالکتاب.
- کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۳۶۲، *الأصول من الکافی*، تهران، نشر اسلامیه.
- کریم‌زاده، محمد صادق، ۱۳۸۹، «سازوکارهای روان‌شناختی فرایند درونی‌سازی ارزش‌های اخلاقی»، *روان‌شناسی و دین*، سال سوم، ش ۲، ص ۵-۲۸.
- گورمن، تام، ۱۳۸۷، *انگیزش*، ترجمه سینا قربانی، تهران، مبلغان.
- لسلی مان، نرمان، ۱۳۵۶، *اصول روان‌شناسی*، ترجمه محمود ساعتچی، تهران، امیر کبیر.
- لیثی واسطی، علی بن محمد، ۱۳۷۶، *عیون‌الحکم و المواعظ*، قم، دارالحدیث.
- مجلسی، محمدباقر، ۱۱۱۱ق، *بحار الأنوار*، تهران، اسلامیه.
- Stephen J, et al, 2013, *Moral Motivation And The Four Cmpponent Model*, Handbook of Moral Motivation, Edited by; Karin Heinrichs, Fritz Oser & Terence Lovat, Published by: Sense Publishers.
- Hogan, R, & Emler, Nicholas, 1995, "*Personality and Moral Development*", In William M. Kurtines and Jacob L. Gewirtz (eds.), *Moral development: an introduction*, Allyn & Bacon.

Cognitive Factors of Moral Motivation of the Holy Quran based on the Source of Motivation "Denial of Cognitive Discord"

✉ **Mohammad Reza Karimi** / PhD in Islamic Education, Islamic Ethics, Baqerul Uloom University

mrk1353@gmail.com

Mohammad Kaviani / Associate Professor, Department of Psychology, Research Center and University

m_kavyani@rihu.ac.ir

Hassan Boslaiki / Assistant Professor of Moral Education Department, Research Institute of Islamic Sciences and Culture

bosaliki@yahoo.com

Received: 2018/05/04 - **Accepted:** 2018/10/29

Abstract

This study seeks to extract the factors of moral motivation in the cognitive field, related to the source of internal motivation "denial of cognitive inconsistency" from the perspective of the Holy Quran. In this study the cognitive field and the source of the mentioned motivation were given priority, due to its high motivational importance. The research method is qualitative and analyzes the content of the text. The factors of moral motivation are the means and the cause of action. These factors communicate with man's inner attitude (sources of moral motivation) in order to get move human beings and, relying on them to determine the conditions necessary for the process of behavior. The method of study and research on the psychological term of factors and sources of moral motivation in the Holy Quran has been mainly based on human beings moral behaviors in the Holy Quran. Commandment and injunction divine on moral and non-moral behaviour were the way to reach discussion of moral motivation, and the relevant verse was examined in terms of persuading to this behavior or abandoning it. Reasoning, confronting man with his knowledge and certainty, creating moral identity with five subheadings, i.e. what Qur'an addresses, what Qur'an reproaches, man's responsibility towards himself, increasing the self-productivity, and man's return to God as ethical sources of motivation were deduced from the Qur'an. Finally, the theoretical process of cognitive factors was represented in relation to the source of motivation for "denial of cognitive discord" in the form of a graph.

Key words: factors of moral motivation, moral motivation, ethical psychology, source of motivational denial of cognitive discord.

Predicting Childhood Behavioral Disorders from Mother`s Early Maladaptive Schemata and Religiosity

Hadi Zeinalzadeh / Graduated from Institute of Higher Educational Ethics and Postgraduate Studies in Islamic Psychology ali.11041@yahoo.com

✉ **Nader Monirpour** / Assistant Professor of Psychology, Islamic Azad University, Qom Branch monirpour1357@yahoo.com

Mohammad Reza Jahangirzadeh / Instructor, Department of Psychology, Imam Khomeini Research Institute
Received: 2017/04/13 - Accepted: 2017/10/07 jahangirzademr@gmail.com

Abstracts

This research, which is a kind of correlation, seeks to investigate the relationship mothers' of religiosity and early maladaptive schemata with childhood behavioral disorders in a non-clinical sample. For this purpose, the sample consists of 386 elementary school students selected by cluster sampling. The research instruments were child behavior Inventory (CBCL), a questionnaire about religiosity and a questionnaire about early maladaptive schemata Questionnaire (YSQ-SF). All the three questionnaires were completed by the students' mothers. The results show that there is a significant relationship between mothers' religiosity and early maladaptive schemata and between mothers' early maladaptive schemata and children's behavioral problems, as well. The results of multiple regression analysis show that the dimension of mothers' religiosity as well as mothers' regions of rejection, self-determination, disruptive performance of early maladaptive schemata significantly predict children's behavioral problems.

Key words: children's behavioral problems, religiosity, schema, early maladaptive schemata, inefficient schema, mothers.

The Role of Similarity Contradiction in Personality Traits of Introversion and Extroversion and Religious Adherence of Couples in Predicting Marital Satisfaction

✉ **Javad Moslehi** / Student of Quran and Psychology, Al-Mustafa International University, Iran, Qom
javadmoslehi1@gmail.com

Hossein Rezaeian Bilondi / Student of Psychology, Imam Khomeini Educational Research Institute, Iran, Qom
h.rezaeiyani60@gmail.com

Amin Rahmati / Student of Quran and Psychology, Al-Mustafa International University, Iran, Qom
Rahmaty2000@gmail.com

Received: 2017/06/27 - **Accepted:** 2017/12/23

Abstract

The aim of this study was to examine the role of similarity contradiction in personality traits of introversion, extroversion and religious adherence of couples in predicting marital satisfaction. This research is a kind of correlational research and has been done by postoperative method. The 232 students (116 couple) was examined in using the "neo-personality" questionnaire of Costa and McCrackie, the "religious commitment" of Janzi Zengari and Rezai Islamic from Bojnourd University and Imam Khomeini University students who had lived together for at least a year. Data were analyzed using central indices, scatter indices, Pearson correlation coefficient, T test, F test, LSD test and variance analysis. Data analysis shows that personality traits of introversion and extroversion do not have a specific and significant effect on the level of marital satisfaction. There was no relationship between the similarity and contradiction of this personality trait with marital satisfaction. Therefore, it is not possible to provide the desired combination of couples to predict the highest level of marital satisfaction. Another result was that in couples who were different in terms of introversion and extroversion, their adherence to religion also varied. there is a significant positive relationship between the couple's religious commitment and marital satisfaction but introverts and extroverts also differ in their religious affiliation

Key words: marital satisfaction, personality traits, introversion, extroversion, religious adherence. This study is a quasi-experimental and a pre-test-post-test design and were used control group.

Providing a Model of Mental Health Based on Positive Psychological factors

✉ **Ali Karimian Sokhlani** / Assistant Professor, Department of Islamic Studies, University of Guilan

a.karimiyan110@yahoo.com

Bahman Akbari / Associate Professor, Department of Psychology, Islamic Azad University, Rasht Branch, Rasht, Iran

Drbahmanakbari@yahoo.com

Received: 2017/06/18 - **Accepted:** 2017/11/24

Abstract

University professors, whose task is to extend knowledge and whom students hold as an example, have their effect on the youth. Therefore, attending to the health of can have a crucial role in pursuing the goals of society and achieving prosperity and collective perfection. The purpose of this study is to provide a model of mental health based on the positive psychological factors considered by the professors of Rasht Islamic Azad university for the academic year 2014-2015. The statistical sample consists of 150 people selected from among the statistical universe of the survey. The research instruments include Drogatis, Lipman & Korey's questionnaire on mental health, Palotzin and Ellisons' questionnaire on spiritual well-being, Schneider Hope Scale, Milk Optimism Test, Carver, and Barton Hardiness Questionnaire. The method of structural equations and LISREL software 8.18 was used for analyzing the data. The results show that mental health can be explained through positive psychological factors including spiritual well-being, hope, and commitment.

Key words: mental health, positivism, spiritual well-being, hope, commitment.

A comparative study of Adolescents' Mental Well-Being according to Patterns of Mother-Child Relationship (an Attempt to Expand the Pattern of Islamic- Iranian Parenting)

Soheila Javidnia / PhD Student in Clinical Psychology, Islamic Azad University, Roodehen Branch, Iran
Soheila.Javidnia@gmail.com

✉ **Fariborz Bagheri** / Associate Professor, Department of Clinical and General Psychology, Islamic Azad University, Tehran Research Branch, Iran
bagheri@srbiau.ac.ir

Received: 2017/05/27 - **Accepted:** 2017/11/18

Abstract

An effective parenting which results in having happy, healthy, and productive children demands showing an affective native pattern base on Iranian culture. The purpose of this study is to compare adolescents' mental well-being according to mother-child relationship patterns including 14-18-year-old high school students in Tehran. For this purpose, 219 students were selected by available sampling method for the comparative study based on a casual descriptive method. And Baqiri's questionnaires about parent-child relationship and Reif's psychological well-being were prepared to assess the psychological well-being and mother-child relationship style. One-way ANOVA and Fisher's exact test were used for analyzing data. The results of data analysis show that adolescents' mental well-being with respect to mother-child relationship patterns is significantly different so that the scores of mental well-being graded from high to low are related to the style of steady relationship, security centeredness, freedom centeredness and finally inconsistent style.

Key words: mother-child relationship, mental well-being, adolescents, students.

The Empirical Method and Its Position in Islamic Psychology

Ali Mesbah / Associate Professor of Philosophy, Imam Khomeini Institute of Education and Research
a-mesbah@qabas.net

✉ Ali Abotrabai / Assistant Professor of Psychology, Imam Khomeini Institute of Education and Research
Received: 2018/04/06 - Accepted: 2018/10/07
aliabootorabi@yahoo.com

Abstract

In addition to explaining the empirical method used in contemporary psychology and exposing shortcomings, limitations, and advantages; this article explores the role and position which empirical method has in Islamic psychology. Using a descriptive-analytical method and a library-based technique, this study is the outcome of an inquiring to authentic Islamic psychological sources and reliable methods. The findings show that, first, the empirical method based on sensory findings is the only way by which man acquires knowledge and there are three other methods by which one can grasp human psychological realities: intuitive method, revealed method and rational method; secondly, psychology considers man as a multidimensional creature and an especial method should be used for exploring every human. considering human nature, dimension. Man's deep interested in physical phenomena, and his strong reliance on sensory findings in his everyday life, Islamic sources also emphasize on the experience of sensory findings. In some cases, when the researcher fails to achieve reassured realism by using other methods, the empirical method can be used to increase the level of reality. Therefore, the empirical method along with the other three main methods used for examining the psychological organization form the underlying bases and their behavioral aspects.

Key words: Islamic psychology, research methods, empiricism, and empirical methods.

Investigating the Effect of the Short Period of Praying on the Position of Accepting excitement on mood and depletion myself in the non-clinical sample

✉ **Nematullah Yaralahi** / PhD Student of Clinical Psychology, Shiraz University

na.Yarollahi@shirazu.ac.ir

Mohammad Reza Shairi / Associate Professor, Department of Psychology, Shahed University

Received: 2017/06/29 - **Accepted:** 2017/12/23

Shairigm@gmail.com

Abstract

The purpose of this study was to investigate the effect of the short period of praying on the position of accepting excitement on mood and depletion myself in the non-clinical sample. 52 students were randomly selected and replaced in three groups: admission / prayer (group 1), admission, control (group 2) and control, control (group 3). The individual's self-control (strop test) was measured after completing the public health questionnaires, religious attitudes, and acceptance and action, the level of mood and performance. Then, emotional clips were played for the subject, during which the first two groups had to accept their emotions, and the third group watched the clips as usual. In the next step, the first group prayed, while the other group members did not do anything special. the results did not show a significant difference in the self-control performance of the three groups after reassessing the creation and performance of Strop's self-control. Also, the groups did not differ significantly from each other in the negative dimension of the scale of creation, but the rate of positive creation, peace and happiness in the group of acceptance and prayer was higher than the other two groups.

Key words: praying, accepting emotion, depletion myself, self-control, mood.

Abstracts

Quantifying the Concept of Persistence according to Islamic Sources and Examining the Properties of the Psychometry Questionnaire about It

Rahim Mirdrikondi / Assistant Professor of Psychology, Imam Khomeini Institute of Education and Research
mirderikvandi@qabas.net

Mehdi Abbasi / Assistant Professor, Department of Islamic Psychology, Quran and Hadith Research Institute
Ym.abbasi@gmail.com

✉ **Hojjatollah Safari** / PhD Student of Psychology, Imam Khomeini Institute of Education and Research

Received: 2018/04/04 - **Accepted:** 2018/09/30

h.a.safaripsy@gmail.com

Abstract

The purpose of this study is to provide a questionnaire about quantifying the concept of persistence according to Islamic sources and determine its psychometrics properties. A content analysis method was used for extraction the conceptual components of persistence and a survey method was used for investigating the characteristics of the questionnaire. In the content analysis method, religious teachings were collected, classified and analyzed and seven components were extracted from Islamic sources. A survey method was used to evaluate the validity and reliability of the questionnaire in a sample of 200 people selected by cluster sampling from the statistical universe of Najaf Abad theological school students. The results show that in terms of content validity measurement, criterion and structure, the questionnaire on persistence has high and essential validity. exploratory factor analysis shows that there are five factors: deceives, adherence to values, transcendent purposefulness, patience, and sustained effort. The validity of this questionnaire with Cronbach's alpha was 0.845. therefore, the questionnaire about Islamic stability can be used as a tool of reliable psychometric properties in Islamic and psychological. research works.

Key words: stability, questionnaire, Islamic resources, psychology, credibility, Validity.

Table of Contents

Quantifying the Concept of Persistence according to Islamic Sources and Examining the Properties of the Psychometry Questionnaire about It / Rahim Mirdrikondi / Mehdi Abbasi / Hojjatollah Safari	7
Investigating the Effect of the Short Period of Praying on the Position of Accepting excitement on mood and depletion myself in the non-clinical sample / Mohammad Reza Shairi / Nematullah Yaralahi	23
The Empirical Method and Its Position in Islamic Psychology / Ali Mesbah / Ali Abotrabi	41
A comparative study of Adolescents' Mental Well-Being according to Patterns of Mother-Child Relationship (an Attempt to Expand the Pattern of Islamic- Iranian Parenting) / Soheila Javidnia / Fariborz Bagheri	55
Providing a Model of Mental Health Based on Positive Psychological factors / Ali Karimian Sokhlani / Bahman Akbari	73
The Role of Similarity Contradiction in Personality Traits of Introversion and Extroversion and Religious Adherence of Couples in Predicting Marital Satisfaction / Javad Moslehi / Hossein Rezaeian Bilondi / Amin Rahmati	93
Predicting Childhood Behavioral Disorders from Mother's Early Maladaptive Schemata and Religiosity / Hadi Zeinalzadeh / Nader Monirpour / Mohammad Reza Jahangirzadeh	111
Cognitive Factors of Moral Motivation of the Holy Quran based on the Source of Motivation "Denial of Cognitive Discord" / Mohammad Reza Karimi / Mohammad Kaviani / Hassan Boslaiki	123

In the Name of Allah

Ravanshenasi va Din

A Quarterly Journal of Psychological inquiry

Vol.13, No.2

Summer 2020

Concessionary: *Imam Khomeini Educational and Research Institute (IKI)*

Manager: *Mohammad Naser Saqaie Bi-Ria*

Editor in chief: *Mohammad Reza Ahmadi*

Executive manager: *Sajad Solgi*

Editorial Board:

- ☒ **Hujjat-ul Islam Dr. Mohammad Reza Ahmadi:** *Assistant Professor, IKI*
- ☒ **Hujjat-ul Islam Ali Reza Araf:** *Associate Professor, Research Institute of Hawza Wa Danishgah*
- ☒ **Dr. Qulam Ali Afruz:** *Professor, Tehran University*
- ☒ **Dr. Muhammad Karim Khoda panahi:** *Professor, Beheshti University*
- ☒ **Hujjat-ul Islam Dr. M. J. Zarean:** *Assistant Professor, Mustafa International University*
- ☒ **Hujjat-ul Islam Dr. N.Saghaye Biria:** *Assistant Professor, IKI*
- ☒ **Hujjat-ul Islam Dr. Abas Ali Shameli:** *Assistant Professor, Mustafa International University*
- ☒ **Hujjat-ul Islam Seyyid Muhammad Qaravi:** *Assistant Professor, Research Institute of Hawza Wa Danishgah*
- ☒ **Dr. Ali Fathi Ashtiani:** *Professor, Baqiat Allah Medical University*

Address:

IKI

Jomhori Eslami Blvd
Amin Blvd., Qum, Iran

PO Box: 37185-186

Tel: +982532113480

Fax: +982532934483

<http://nashriyat.ir/SendArticle>

www.iki.ac.ir & www.nashriyat.ir
